



سلسله مباحث مهدویت

# غیبت صغری

علی اصغر رضوانی





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رضوانی، علی اصغر  
غیبت صغری / تألیف علی اصغر رضوانی. - قم مسجد مقدّس صاحب الزمان (جمکران)،  
۱۳۸۵.

ISBN 964-973-016-8

ص ۷۲

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیما.

۱. محمّد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق، - غیبت صغری

۲. محمّد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق، - غیبت صغری

الف، مسجد جمکران، ب. عنوان.

۲۹۷/۴۶۲

غ ۵۵ ر / ۴ / ۴ BP۲۲۴



<input type="checkbox"/>	غیبت صغری	■ نام کتاب:
<input type="checkbox"/>	علی اصغر رضوانی	■ مؤلف:
<input type="checkbox"/>	امیرسعید سعیدی	■ صفحه آرا:
<input type="checkbox"/>	انتشارات مسجد مقدّس جمکران	■ ناشر:
<input type="checkbox"/>	تابستان ۱۳۸۵	■ تاریخ نشر:
<input type="checkbox"/>	اوّل	■ نوبت چاپ:
<input type="checkbox"/>	سرور	■ چاپ:
<input type="checkbox"/>	۳۰۰۰ جلد	■ تیراژ:
<input type="checkbox"/>	۳۰۰ تومان	■ قیمت:
<input type="checkbox"/>	۸ - ۱۶ - ۹۷۳ - ۹۶۴	■ شابک:

<input type="checkbox"/>	انتشارات مسجد مقدّس جمکران	■ مرکز پخش:
<input type="checkbox"/>	فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدّس جمکران	
<input type="checkbox"/>	۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱	■ تلفن و نمابر:
<input type="checkbox"/>	۶۱۷	■ قم - صندوق پستی:

﴿حق چاپ مخصوص ناشر است﴾

# غیبت صغریٰ

تألیف: علی اصغر رضوانی

## فهرست مطالب

۷	مقدمه ناشر.....
۹	مبدأ غیبت صغری.....
۹	حکمت غیبت صغری.....
۱۰	امتیاز عصر غیبت صغری.....
۱۱	زمینه‌سازی خداوند برای امامت حضرت.....
۱۱	زمینه‌سازی معصومین برای غیبت.....
۱۱	(۱) رسول اکرم ﷺ.....
۱۲	(۲) امام علی ﷺ.....
۱۳	(۳) امام حسن ﷺ.....
۱۴	(۴) امام حسین ﷺ.....
۱۵	(۵) امام سجاد ﷺ.....
۱۶	(۶) امام باقر ﷺ.....
۱۶	(۷) امام صادق ﷺ.....
۱۷	(۸) امام کاظم ﷺ.....
۱۸	(۹) امام رضا ﷺ.....
۱۹	(۱۰) امام جواد ﷺ.....
۲۰	(۱۱) امام هادی ﷺ.....
۲۰	(۱۲) امام عسکری ﷺ.....
۲۰	۱ - تعلیمات و بیانات.....
۲۱	۲ - کم کردن ارتباطات خود با شیعیان.....
۲۱	۳ - اتخاذ نظام وکالت.....
۲۲	۴ - قربانی کردن برای فرزندش.....
۲۲	۵ - ارائه دادن فرزند خود به خواص از شیعیان.....
۲۳	(۱۳) امام مهدی ﷺ.....
۲۴	اختفای از دشمنان.....

### سفیران ناحیه مقدسه

۲۹	چهار نایب از ناحیه مقدسه
۲۹	سفیر اول امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۱	مدرك سفارت سفیر اول
۳۲	دفاع از عثمان بن سعید
۳۳	سفیر دوم امام زمان <small>علیه السلام</small>
۳۵	سفیر سوم امام زمان <small>علیه السلام</small>
۳۶	سفیر چهارم امام زمان <small>علیه السلام</small>
۳۸	اثبات نیابت چهار سفیر حضرت <small>علیه السلام</small>
۳۹	نحوه ارتباط نواب اربعه با شیعیان
۳۹	۱- ارتباط با واسطه و غیر مستقیم
۳۹	۲- ارتباط مستقیم و بی واسطه
۴۰	وظایف و مسئولیت‌های نواب اربعه
۴۲	ملاک معیار انتصاب نواب اربعه
۴۲	۱- تقیه و رازداری در حدّ بالا
۴۲	۲- صبر و استقامت بسیار عالی و ممتاز
۴۳	۳- نسبت به دیگران فهمیده‌تر بودن
۴۳	۴- حساس نبودن حکومت نسبت به آنان
۴۳	عوامل ادعای دروغین سفارت
۴۴	مدعیان دروغین سفارت
۴۵	وکالت ناحیه مقدسه
۴۶	وظایف سازمان وکالت

### توقیعات ناحیه مقدسه

۴۸	نقش سفیر در توقیعات
۴۹	مدت زمان صدور توقیع
۵۰	خط حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> در توقیعات
۵۱	فهرست برخی توقیعات
۵۵	نمونه‌هایی از توقیعات ناحیه مقدسه
۷۲	سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت

## مقدمه ناشر

در عصر کنونی که دشمنان بشریت، افکار و عقاید انحرافی را در جامعه جهانی ترویج می‌کنند و منجی موعود واقعی را برای حیات و قدرت پوشالی و کاخ عنکبوتی خود خطرناک می‌دانند، درصدد ایجاد انحراف فرهنگی برآمده‌اند و با پوچ‌گرایی، جامعه بشری و اخلاق و رفتار نیکو را مورد تعرض قرار داده‌اند، برآن شدیم تا حقیقت مهدویت را با سلسله مباحث مختصر منجی موعود برای مشتاقان علم و فضیلت عرضه نماییم.

امید است مورد توجه حضرت حق جل و علا قرار گیرد.

مدیر مسؤول انتشارات  
مسجد مقدّس جمکران  
حسین احمدی

## مبدأ غیبت صغریٰ

در رابطه با مبدأ غیبت صغریٰ دو نظریه وجود دارد:

نظریه اول این که: غیبت صغریٰ از زمان ولادت حضرت مهدی علیه السلام بوده؛ زیرا ولادت حضرت در اختفا و پنهانی بوده است. ولی این نظریه مورد مناقشه واقع شده؛ زیرا بحث در غیبت امام است و در آن هنگام حضرت به مقام امامت نرسیده بود. خصوصاً آن که جماعت زیادی از شیعیان، حضرت را در آن پنج سال قبل از شهادت حضرت عسکری علیه السلام مشاهده کرده‌اند.

نظریه دوم این که: غیبت حضرت از زمان شهادت پدرش امام عسکری علیه السلام بوده است. و به طور دقیق می‌توان گفت که بعد از نماز خواندن بر جنازه پدرش، در آن قضیه‌ای که ابوالادیان بصری نقل می‌کند.<sup>۱</sup>

## حکمت غیبت صغریٰ

غیبت صغریٰ نشانگر اولین مرحله از امامت حضرت مهدی علیه السلام است، که خداوند متعال تقدیر نمود تا در مدتی نه چندان دور از عموم مردم مخفی بماند و امور شیعه را توسط سفرا انجام دهد.

اما این که چرا غیبت صغریٰ قبل از غیبت کبریٰ قرار گرفت ممکن است که

---

۱. کمال‌الدین، ص ۴۷۴-۴۷۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۳۳۲.



جهت آن این باشد که عادت شیعیان در طول عمر امامت بر این بوده که هر زمان اراده می‌کردند خدمت امام خود رسیده و از محضر او استفاده می‌بردند، و با غیبت کلی و تام و تمام هرگز انس نداشتند. لذا برای جا افتادن این موضوع ابتدا غیبت صغری تحقق پیدا کرد که در آن تا اندازه‌ای ارتباط قطع شد. و مردم اگرچه در ابتدا به شک و تردید و تشویش خاطر افتادند ولی بعد از مدتی نه چندان دور شک و تردیدها زایل شده و با مشاهده دلایل قطعی، به وجود حضرت مهدی علیه السلام یقین پیدا کردند. و بعد از مدتی نه چندان طولانی غیبت کبری شروع شد.

### امتیاز عصر غیبت صغری

بنابر قولی شروع غیبت صغری از زمان شهادت امام عسکری علیه السلام بوده است، که از همان زمان امام علیه السلام متولی امر امامت می‌شوند. حضرت خلافت خود را با نصب وکیل اولش هنگام مقابله با جماعت قمیین آغاز نمودند. عصر غیبت صغری از امتیازات ویژه‌ای برخوردار است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- ۱ - در این عصر امام مهدی علیه السلام متصدی امامت و خلافت شد.
- ۲ - در این عصر امام علیه السلام استتار کامل نداشتند، بلکه به جهت مصالح کلی با برخی از خواص یارانش ملاقات برقرار می‌کردند.
- ۳ - در این عصر چهار سفیر وجود داشت که از طرف حضرت به طور خصوص مأمور به رسیدگی امور مردم بوده و رابط بین آنان و حضرت به شمار می‌آمدند.

## زمینه‌سازی خداوند برای امامت حضرت

از جمله موضوعاتی که قبل از ولادت امام مهدی علیه السلام اتفاق افتاد که آن را می‌توان زمینه‌ساز امامت حضرت مهدی علیه السلام در کودکی دانست، ولادت امام جواد و امام هادی علیهما السلام است؛ زیرا امام جواد در هشت سالگی یا هفت سالگی، و امام هادی در سنّ شش سالگی به امامت رسیدند. و لذا بعد از آن که شیعه به امامت این دو امام اعتقاد پیدا نمود، این مسأله زمینه‌ساز اعتقاد به امامت حضرت مهدی علیه السلام و رفع استبعاد از امامت او در سنین پنج سالگی شد.

## زمینه‌سازی معصومین برای غیبت

موضوع غیبت امام تجربه جدیدی برای امت بود، تجربه‌ای که به این مقدار از غیبت هرگز هیچ امتی به چشم خود ندیده بود، لذا امت و جامعه شیعی احتیاج مبرم به زمینه‌سازی برای ورود به آن داشت. به همین جهت اهل بیت علیهم السلام و حتی رسول خدا صلی الله علیه و آله همگی به طور مکرر به موضوع غیبت امام دوازدهم اشاره صریح داشته‌اند. همان گونه که غیبت صغری قبل از شروع غیبت کبری نیز به جهت زمینه‌سازی و ایجاد انس در بین مردم برای ورود به غیبت کبری بوده است.

### (۱) رسول اکرم صلی الله علیه و آله

در بسیاری از روایات از رسول اکرم صلی الله علیه و آله به این موضوع اشاره شده است؛ ابن عباس در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «...و جعل من صلب الحسين أئمة يقومون بأمری و يحفظون وصيتی التاسع منهم قائم أهل

بیتی ومهدی امتی أشبه الناس بی فی شمائله وأقواله وأفعاله. يظهر بعد غيبة طويلة وحيرة مضلة فيعلن أمر الله ويظهر دين الله جل وعز...؛<sup>۱</sup> «...واز صلب حسين اماماني قرار داد که به امر من قیام کرده و وصیت مرا حفظ خواهند نمود، نهمین از آنها قائم اهل بیت من و مهدی امت من است. او شبیه ترین مردم به من در شمایل و اقوال و افعال است. بعد از غیبتی طولانی و حیرتی گمراه کننده ظهور خواهد کرد، آن گاه امر خدا را اعلان کرده و دین او را ظاهر خواهد نمود...».

امام علی علیه السلام نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «ثم یغیب عنهم إمامهم ما شاء الله ویکون له غیبتان إحداهما أطول من الأخری...»؛<sup>۲</sup> «...آن گاه امامشان از میان آنها تا هر زمان که خدا بخواهد غایب خواهد شد. و برای او دو غیبت مقرر شده که یکی از آن دو از دیگری طولانی تر است...».

جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: «وللقائم من ولدك غیبة؟ قال: ای وربی. ثم قرأ هذه الآية: ﴿وَلَيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾<sup>۳</sup>؛<sup>۴</sup> «آیا برای قائم از اولاد تو غیبت است؟ فرمود: آری به خدا سوگند. آن گاه این آیه را قرائت نمود: ﴿وَلَيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾.»

## (۲) امام علی علیه السلام

در بسیاری از روایات از امام علی علیه السلام به آن اشاره نموده است از جمله؛ صدوق در حدیثی به سند خود از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده که فرمود: «للقائم

۱. کمال الدین، ص ۲۵۶؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۲۷، ح ۳.  
 ۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۰.  
 ۳. سوره آل عمران، آیه ۱۴۱.  
 ۴. همان، ج ۵۱، ص ۷۳، ح ۱۸؛ کمال الدین، ص ۲۸۷.

منا غيبة أمرها طويل كأتى بالشيعة يجولون جولان النعم في غيبته يطلبون المرعى فلا يجدونه ألا فمن ثبت منهم على دينه ولم يقس قلبه لطول أمد غيبة إمامه فهو معي في درجتي يوم القيامة...»<sup>۱</sup> «برای قائم از ما غیبتی است که زمان و مدت آن طولانی خواهد بود. گویا شیعه را می‌بینم که به مانند گوسفندان متحیر و سرگردان به دنبال چراگاه می‌گردد ولی آن را نمی‌یابد. آگاه باشید! هرکس که در آن زمان بر دین خود ثابت قدم باشد و قلبش به جهت طولانی شدن مدت غیبت سخت نشود، او با من و در مرتبه من در روز قیامت خواهد بود.»

### (۳) امام حسن علیه السلام

شیخ صدوق علیه السلام به سند خود در حدیثی نقل می‌کند که امام حسن مجتبی علیه السلام بعد از مصالحه با معاویه و اعتراض برخی به آن حضرت در این جهت فرمود: «ویحکم ما تدرون ما عملت، والله الذی عملت خیر لشیعتی مما طلعت علیه الشمس أو غربت، ألا تعلمون أتى إمامكم مفترض الطاعة عليكم وأحد سيدي شباب أهل الجنة بنص رسول الله صلى الله عليه وآله علي؟ قالوا: بلى. قال: أما علمتم أن الخضر عليه السلام لما خرق السفينة وأقام الجدار وقتل الغلام كان ذلك سخطاً لموسى بن عمران عليه السلام إذا خفى عليه وجه الحكمة في ذلك وكان ذلك عند الله تعالى ذكره حكمة وصواباً. أما علمتم أنه ما منا أحد إلا ويقع في عنقه بيعة لطاغية زمانه إلا القائم الذي يصلى روح الله عيسى بن مريم عليه السلام خلفه فإن الله عز وجل يخفى ولادته ويغيب شخصه لتلا يكون لأحد في عنقه بيعة. إذا خرج ذلك التاسع من ولد أخى الحسين بن سيده

۱. کمال الدین، ص ۳۰۳؛ اعلام الوری، ص ۴۲۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹، ح ۱.



الإمام يطيل الله عمره في غيبته ثم يظهره بقدرته في صورة شابّ دون أربعين سنة ذلك ليعلم أنّ الله على كلّ شيء قدير»؛<sup>۱</sup> «وای بر شما! نمی دانید که من چه کردم؟ به خدا سوگند آنچه را من انجام دادم برای شیعیانم از آنچه خورشید بر او طلوع و غروب کرده بهتر است. آیا نمی دانید که من امام شما هستم که اطاعتم بر شما واجب است؟ آیا من یکی از دو آقای جوانان اهل بهشت به تصریح رسول خدا ﷺ نیستم؟ گفتند: آری. فرمود: آیا نمی دانید خضر عليه السلام هنگامی که کشتی را سوراخ و دیوار را بر پا و غلام را کشت، مورد غضب موسی بن عمران قرار گرفت، به جهت آن که حکمت آن را نمی دانست؟ ولی این امر نزد خداوند متعال مطابق حکمت و صواب بود. آیا نمی دانید که هر یک از ما برگردن خود بیعت طاغوت زمان خود را داریم، جز قائمی که عیسی بن مریم عليه السلام پشت سر او نماز می گزارد. خداوند عزوجلّ ولادت او را مخفی خواهد نمود، و شخصش را غایب خواهد کرد تا آن که برگردن او از جانب هیچ کس هنگام خروج بیعت نباشد. او نهمین از اولاد برادرم حسین و فرزند بهترین زنان است. خداوند عمر او را در غیبتش طولانی خواهد گرداند، آن گاه او را به قدرت خود در صورت جوانی کمتر از چهل سال ظاهر خواهد نمود، تا دانسته شود که خداوند بر هر کاری قدرتمند است.»

#### (۴) امام حسین عليه السلام

صدوق به سند خود از امام حسین عليه السلام نقل کرده که فرمود: «فی التاسع من ولدی سنّة من یوسف وسنّة من موسی بن عمران عليه السلام وهو قائمنا أهل البيت

۱. کمال الدین، ص ۳۱۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲، ح ۱.

یصلح الله تبارك وتعالى أمره في ليلة واحدة»؛<sup>۱</sup> «در نهمین از فرزندانم سنتی از یوسف و سنتی از موسی بن عمران است. و او قائم ما اهل بیت می‌باشد که خداوند تبارک و تعالی امر او را در یک شب اصلاح خواهد نمود.»

و نیز از امام حسین علیه السلام نقل کرده که فرمود: «قائم هذه الأمة هو التاسع من ولدی وهو صاحب الغيبة»؛<sup>۲</sup> «...قائم این امت همان نهمین از اولاد من است، و او صاحب غیبت می‌باشد...».

و نیز فرمود: «... له غيبة يرتد فيها أقوام ويثبت على الدين فيها آخرون...»؛<sup>۳</sup> «... برای او غیبتی است که اقوامی در آن مرتد شده و گروهی دیگر بر دین ثابت خواهند بود...».

#### (۵) امام سجاد علیه السلام

شیخ صدوق علیه السلام به سندش از امام زین العابدین علیه السلام نقل کرده که فرمود: «تمت الغيبة بولي الله الثاني عشر من أوصياء رسول الله و الأئمة بعده علیهم السلام. يا أباخالد! إن أهل زمان غيبته القائلين بإمامته والمنتظرين لظهوره أفضل من أهل كل زمان، لأن الله تبارك وتعالى أعطاهم من العقول والأفهام والمعرفة ما صارت به الغيبة عندهم بمنزلة المشاهدة...»؛<sup>۴</sup> «آن‌گاه غیبت به ولی خدای عزوجل دوازدهمین از اوصیای رسول خدا و امامان بعد از او امتداد می‌یابد. ای ابا خالد! همانا اهل زمان غیبت او که به امامتش قائلند و منتظر ظهور او می‌باشند

۱. کمال الدین، ص ۳۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲ و ۱۳۳، ح ۲.  
 ۲. همان، ص ۳۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۳، ص ۳. همان، بحار الأنوار، ح ۴.  
 ۴. کمال الدین، ص ۳۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۸۶.

افضل از اهل هر زمان هستند، زیرا خداوند تبارک و تعالی به آنها چنان عقل و فهم و معرفتی داده که غیبت نزد آنان به منزله حضور و مشاهده است...».

### (۶) امام باقر علیه السلام

صدوق علیه السلام به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: «یأتی علی الناس زمان یغیب عنهم إمامهم. فیا طوبی للثابتین علی أمرنا فی ذلك الزمان. إن أدنی ما یكون لهم من الثواب أن ینادیهم الباری جلّ جلاله فیقول عبادی وإمائی آمنتم بسرّی وصدقتم بغیبی، فأبشروا بحسن الثواب منی...»؛<sup>۱</sup> «زمانی بر مردم بیاید که امامشان از آنها غایب گردد. پس خوشا به حال کسانی که بر امر ما در آن زمان ثابت قدم باشند. همانا کمترین ثوابی که برای آنها در نظر گرفته شده این است که خداوند باری جلّ جلاله می فرماید: ای بنده‌ها و کنیزان من! به سرّ من ایمان آوردید، و غیب مرا تصدیق کردید، بشارت باد شما را به حسن ثواب از جانب من...».

### (۷) امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: «الخامس من ولد السابع یغیب عنکم شخصه»؛<sup>۲</sup> «پنجمین از اولاد، هفتمین کسی است که شخصش از شما غایب خواهد شد.»

و نیز فرمود: «أما والله لیغیبنّ عنکم مهدیکم حتی یقول الجاهل منکم ما

۱. کمال الدین، ص ۳۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۵، ح ۶۶.

۲. کمال الدین، ص ۳۳۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۴۳، ح ۴.

لله في آل محمد حاجة»؛<sup>۱</sup> «آگاه باشید! به خدا سوگند! که مهدی شما از بین شما غایب خواهد شد تا این که جاهل از شما می‌گوید: خداوند احتیاجی به آل محمد ندارد...».

و نیز فرمود: «إن الغيبة ستقع بالسادس من ولدی وهو الثاني عشر من الأئمة الهداة بعد رسول الله ﷺ، أولهم أمير المؤمنين علي بن أبي طالب وآخرهم القائم بالحق بقية الله في الأرض...»؛<sup>۲</sup> «...همانا غیبت در ششمین از فرزندانم واقع خواهد شد. و او دوازدهمین از امامان هدایت بعد از رسول خداست که اول آنها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، و آخر آنها قائم به حق، بقیه الله در روی زمین است...».

و نیز فرمود: «إن للقاء غيبة قبل أن يقوم»؛<sup>۳</sup> «همانا برای قائم غیبتی قبل از قیام است.»

### ۸) امام کاظم علیه السلام

امام کاظم علیه السلام فرمود: «إذا فقد الخامس من ولد السابع فالله الله في أديانكم لا يزيلنكم أحد عنها، يا بني! إنه لا بد لصاحب هذا الأمر من غيبة...»؛<sup>۴</sup> «هنگامی که پنجمین از اولاد هفتمین مفقود شد پس خدا را خدا را در ادیانتان، کسی شما را از آن جدا نکند، ای فرزندم! همانا به طور حتم برای صاحب این امر غیبتی است...».

۱. همان، ص ۳۴۱، بحار الأنوار، ص ۱۴۵، ح ۱۲.

۲. همان، بحار الأنوار، ح ۱۳.

۳. همان، ص ۳۴۲، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶، ح ۷۰.

۴. کمال الدین، ص ۳۵۹ و ۳۶۰، کافی، ج ۱، ص ۳۳۶، ح ۲.



یونس بن عبدالرحمن می‌گوید: من بر موسی بن جعفر علیه السلام وارد شدم و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! آیا شما قائم به حق می‌باشید؟ فرمود: «أنا القائم بالحق ولكن القائم الذي يطهر الأرض من أعداء الله عزوجل ويملاها عدلاً كما ملئت جوراً وظلماً هو الخامس من ولدي له غيبة يطول أمدها خوفاً على نفسه...»<sup>۱</sup> «من قائم به حق، ولی قائمی که زمین را از دشمنان خداوند عزوجل پاک کرده و آن را پر از عدالت خواهد نمود آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد همان پنجمین نفر از اولاد من است. برای او غیبتی طولانی است زیرا بر جان او خطر است...».

و نیز در بیان قول خداوند متعال ﴿وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾<sup>۲</sup> فرمود: «النعمه الظاهرة الإمام الظاهر والباطنة الإمام الغائب. فقلت له: ويكون في الأئمة من يغيب؟ قال: نعم، يغيب عن أبصار الناس شخصه ولا يغيب عن قلوب المؤمنين ذكره وهو الثاني عشر منّا...»<sup>۳</sup> «نعمت ظاهر امام ظاهر و نعمت باطن امام غایب است. راوی می‌گوید: به حضرت عرض کردم: آیا در میان ائمه کسی غایب می‌شود؟ فرمود: آری شخصش از چشمان مردم غایب می‌گردد، ولی از قلوب مؤمنان غایب نمی‌گردد، و او دوازدهمین از ما می‌باشد...».

### (۹) امام رضا علیه السلام

صدوق علیه السلام به سندش از امام رضا علیه السلام نقل کرده که فرمود: «الرابع من ولدي

۱. همان، ص ۳۶۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱، ح ۶.

۲. سوره لقمان، آیه ۲۰.

۳. کمال الدین، ص ۳۶۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱، ح ۲.

ابن سیدة الإمام يطهر الله به الأرض من كل جور ويقدها من كل ظلم، وهو الذي يشك الناس في ولادته وهو صاحب الغيبة قبل خروجه...»<sup>۱</sup>  
 «... چهارمین از اولاد من، که فرزند بهترین زنان است، خداوند به واسطه او زمین را از هر ظلمی پاک و پیراسته خواهد نمود، و او کسی است که مردم در ولادتش شک خواهند کرد، و اوست صاحب غیبت قبل از خروجش...».

و نیز به دعبل فرمود: «... یا دعبل! الإمام بعدی محمد ابنی و بعد محمد ابنه علی و بعد علی ابنه الحسن و بعد الحسن ابنه الحجة المنتظر فی غیبتة...»<sup>۲</sup> «... ای دعبل! امام بعد از من محمد فرزند من است. و بعد از محمد، فرزندش علی و بعد از علی، فرزندش حسن و بعد از حسن فرزندش حجت قائم است. کسی که در غیبتش به انتظار او می‌نشیند...».

#### ۱۰) امام جواد علیه السلام

عبدالعظیم حسنی علیه السلام می‌گوید: من بر آقایم محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام وارد شدم به قصد این که از او درباره قائم سؤال کنم که آیا او مهدی است یا دیگری، حضرت ابتدئاً فرمود: «... یا ابا القاسم! إن القائم منا هو المهدي الذي يجب أن ينتظر في غيبته ويطاع في ظهوره وهو الثالث من ولدي...»<sup>۳</sup> «ای ابا القاسم! همانا قائم از ما همان مهدی است که واجب است در غیبتش انتظار او را کشیده و هنگام ظهورش از او اطاعت شود، و او سومین از اولاد من است...».

۱. کمال الدین، ص ۳۷۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱، ح ۲۹.

۲. همان، ص ۳۷۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۴، ح ۴.

۳. کمال الدین، ص ۳۷۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۶، ح ۱.

صقر بن ابی دلف می‌گوید: به امام جواد علیه السلام عرض کردم: چرا قائم را منتظر خوانند؟ فرمود: «... لأنّ له غيبة تكثر أيامها ويطول أمدها فينتظر خروجه المخلصون وينكره المرتابون...»<sup>۱</sup> «زیرا برای او غیبتی است که روزهایش زیاد و مدت‌ش طولانی خواهد بود. مخلصین در انتظار خروج او به سر خواهند برد، و شک‌کنندگان، او را انکار خواهند کرد...».

### (۱۱) امام هادی علیه السلام

صدوق علیه السلام به سندش از ابی هاشم داوود بن قاسم جعفری نقل می‌کند که از ابوالحسن (امام هادی علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود: «... ومن بعدی الحسن ابني فكيف للناس بالخلف من بعده؟ قال: فقلت: وكيف ذاك يا مولاي؟! قال: لأنه لا يري شخصه ولا يحل ذكره باسمه...»<sup>۲</sup> «جانشین بعد از من فرزندم حسن است، پس چگونه است شما را به خلف بعد از خلف؟ عرض کردم: چگونه، خداوند مرا فدایت گرداند؟ حضرت فرمود: زیرا شخصش دیده نمی‌شود و حلال نیست که نامش برده شود...».

### (۱۲) امام عسکری علیه السلام

فعالیت‌های امام عسکری علیه السلام را در این زمینه می‌توان به چند دسته تقسیم نمود:

#### ۱- تعلیمات و بیانات

امام عسکری علیه السلام در حدیث مبسوطی به احمد بن اسحاق فرمود: «... یا أحمد بن إسحاق! مثله في هذه الأمة مثل الخضر عليه السلام ومثله مثل ذی القرنین،

۱. همان، ص ۳۷۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۰، ح ۴.  
 ۲. کمال الدین، ص ۳۷۹ و ۳۸۰؛ اعلام الوری، ص ۴۳۷ و ۴۳۸.

والله ليغيبن غيبة لا ينجو فيها من الحركة إلا من ثبته الله عزوجل على القول بإمامته، ووقفه فيها الدعاء بتعجيل فرجه...»<sup>۱</sup> «... ای احمد بن اسحاق! مثل او در این امت مثل خضر عليه السلام و مثلش مثل ذی القرنین است. به خدا سوگند! هر آینه غیبتی خواهد نمود که تنها کسانی که خداوند آنان را بر قول به امامت او ثابت کرده، و به دعا بر تعجيل فرجش موفق ساخته، هلاک نخواهند شد...».

و نیز فرمود: «... أما أن لولدي غيبة يرتاب فيها الناس إلا من عصمه الله عزوجل»<sup>۲</sup> «... آگاه باشید! همانا برای فرزندم غیبتی خواهد بود که در آن مردم شک خواهند کرد جز کسانی که خداوند عزوجل آن‌ها را حفظ کرده باشد.»

## ۲- کم کردن ارتباطات خود با شیعیان

مسعودی می‌گوید: «هنگامی که امر امامت به او رسید با خواص خود و غیر خواص از پشت پرده سخن می‌گفت، مگر در اوقاتی که او را به خانه سلطان می‌بردند».<sup>۳</sup> لذا شیعیان حضرت برای ملاقات با او در راه می‌نشستند تا در آن اوقات حضرت را ملاقات کنند.<sup>۴</sup>

## ۳- اتخاذ نظام وکالت

گرچه امام عسکری عليه السلام اولین کسی نبود که به نظام وکالت رو آورد، ولی در زمان آن حضرت برای زمینه‌سازی غیبت فرزندش مهدی عليه السلام آن را توسعه داد. ولذا در این راستا عثمان بن سعید و فرزندش را به عنوان وکیل مورد

۱. کمال‌الدین، ص ۳۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳ و ۲۴، ح ۱۶.

۲. همان، ص ۴۰۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰، ح ۶.

۳. اثبات الوصية، ص ۲۸۶.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۹۰، ح ۶۳ و ص ۲۹۳، ح ۶۷.



اعتماد و ثقه خود معرفی فرمود: «... وأشهدوا علی أنّ عثمان بن سعید العمری وکیل و أنّ ابنه محمد وکیل ابنی مهدیکم»؛<sup>۱</sup> «و شهادت دهید بر این که عثمان بن سعید عمری وکیل من است و همانا فرزند او محمد وکیل فرزند من، مهدی شماست.»

و نیز از وکلای او محمد بن احمد بن جعفر و جعفر بن صیقل است.<sup>۲</sup>

#### ۴- قربانی کردن برای فرزندش

صدوق به سندش از ابی جعفر عمری نقل کرده که فرمود: هنگامی که آقا متولد شد، ابو محمد (عسکری) فرمود: «ابعثوا الی ابی عمرو، فبعث الیه فصار الیه، فقال: اشتر عشرة آلاف رطل خبزاً وعشرة آلاف رطل لحماً وفرقه - أحسبه قال: - علی بنی هاشم، وعق عنه بكذا وكذا شاة»؛<sup>۳</sup> «کسی را نزد ابو عمرو بفرستید. کسی را فرستادند. هنگامی که آمد، حضرت به او فرمود: «ده هزار پیمانه نان و ده هزار پیمانه گوشت بخر و به گمانم فرمود آن را بین بنی هاشم تقسیم کن. و از طرف او فلان تعداد گوسفند عقیقه کن.»

و نیز در نامه‌ای به خواص خود در قم دستور داد که از طرف فرزندش عقیقه کرده و به مردم گوشزد کنند که این عقیقه به مناسبت ولادت مولود جدید امام عسکری علیه السلام محمد است. و نیز به خواص خود در بغداد و سامرا نیز چنین نوشت.

#### ۵- ارائه دادن فرزند خود به خواص از شیعیان

امام عسکری علیه السلام برای تثبیت قلوب شیعیان نسبت به ولادت و امامت

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۴، ح ۱. ۲. همان، ج ۵۰، ص ۳۰۹ و ۳۱۰، ح ۹.

۳. کمال الدین، ص ۴۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵، ح ۹.

فرزندش مهدی علیه السلام او را به تعداد بسیاری از یارانش نشان داد. آن‌ها نیز از آن فرزند معجزاتی مشاهده کردند که موجب یقین به امامت او شد، که از آن جمله می‌توان به احمد بن اسحاق اشعری اشاره نمود.<sup>۱</sup>

### (۱۳) امام مهدی علیه السلام

حضرت علیه السلام با قطع نظر از زمینه‌سازی‌هایی که امامان قبل برای تثبیت مسأله ولادت و امامت و غیبت او داشتند، خود نیز به شخصه در این مسأله دخالت کرده و از راه‌های مختلف در صدد اثبات ولادت و امامت خود برآمدند. اینک به برخی از این راه‌ها اشاره می‌کنیم:

- ۱ - حضرت کاری کردند که گروهی از بزرگان شیعه بتوانند به ملاقاتش شرفیاب شوند.
- ۲ - در مواقع ضروری اقدام به انجام کرامت و معجزه می‌نمود. این معجزات بعضاً توسط سفرا و در برخی موارد نیز توسط خود حضرت انجام می‌گرفت.<sup>۲</sup>
- ۳ - آن حضرت شخصاً در صدد پاسخ به سؤال‌های مختلف مردم بر می‌آمد تا اعتقاد و یقینشان نسبت به او بیشتر گردد.
- ۴ - خطاً خاص حضرت نیز از جمله قرائن و دلایلی بود که می‌توانست بر وجود امام عصر علیه السلام دلالت کند؛ زیرا این خطاً در زمان پدرش امام عسکری علیه السلام بین مردم مأنوس بوده است، و لذا از جمله راه‌هایی بود که با رسیدن توقیعات

۱. کمال الدین، ص ۳۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳ و ۲۴، ح ۱۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۲۵، ح ۴۴.

از ناحیه مقدسه، شیعیان به وجود امام زمان خود یقین و اطمینان پیدا می نمودند.

## اختفای از دشمنان

از آنجا که بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام، حاکمان ظلم و جور نیز در صدد نابودی حضرت بودند، لذا حضرت تدابیری برای اختفای خود از آنها داشت. اینک به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ - حضرت خود را جز به کسانی که مخلص و فدایی بودند، نشان نمی داد.  
 ۲ - بعد از آن که شخصی به حضور حضرت شرفیاب می شد، به او سفارش زیاد می شد که این امر را کتمان بدارد و در خبر دادن به شیعیان نهایت احتیاط را داشته باشد.

۳ - تحریم نام بردن از اسم مخصوص امام زمان علیه السلام یعنی «محمد». از این رو مشاهده می کنیم که در آن عصر در مورد امام علیه السلام از تعبیراتی همچون: قائم، غریب، حجت، ناحیه، صاحب الزمان و دیگر تعبیرات مبهم استفاده می شد.<sup>۱</sup>

۴ - مخفی شدن از دستگاه خلافت و هر کس که از موالیان آن حضرت به شمار نمی آمد.

۵ - تغییر دادن مکان و خانه حضرت از جایی به جایی دیگر به نحوی که نظرها را به خود جلب نکند، و نیز کسی به آن حضرت مشکوک نشود. و لذا روایاتی را که در تعیین مکان و خانه حضرت اختلاف دارند به همین معنا توجیه می کنیم.

۱. الغیبة، طوسی، ص ۳۶۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۱، ح ۳.

۶- کیفیت ارتباط وکیل یا سفیر به قدری مخفیانه بود که هیچ کس از آن اطلاعی پیدا نمی‌کرد.

۷- حضرت وکالت یا سفارت خود را به کسانی واگذار می‌کرد که نهایت اخلاص و فداکاری را به حضرت داشتند، به حدی که محال بود، مکان حضرت و خصوصیات ایشان را اطلاع دهند. لذا هنگامی که به ابوسهل نوبختی گفتند: چرا سفارت به حسین بن روح واگذار شد نه به شما؟ در جواب گفت: «...او کسی است که اگر حجت در زیر عبایش باشد و بدنش را قطعه قطعه کنند تا عبایش را از روی او بردارد هرگز چنین نخواهد کرد».<sup>۱</sup>

۱. الغیبة، طوسی، ص ۳۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۸، ح ۶.

سفيران ناحيه مقدسه

## چهار نایب از ناحیه مقدسه

امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت صغریٰ چهار نفر را به عنوان نائبان خاص خود به شیعیان معرفی نمود.

این چهار تن از عالمان بزرگ و پارسای شیعه بوده‌اند؛ و عبارتند از:

(۱) ابو عمرو، عثمان بن سعید عمری

(۲) ابو جعفر، محمد بن عثمان بن سعید عمری

(۳) ابوالقاسم، حسین بن روح نوبختی

(۴) ابوالحسن، علی بن محمد سمری

گرچه شیخ طوسی رحمته الله و دیگران دربارهٔ زندگی این چهار سفیر عالی مقام مطالب کمی نوشته‌اند و لذا نمی‌توان دربارهٔ زندگی‌نامهٔ آن‌ها به قدر کافی اطلاعاتی به دست آورد ولی با این وجود تا اندازه‌ای که مدارک و مستندات تاریخی اجازه می‌دهد در این باره مطالبی را بیان می‌داریم.

## سفیر اول امام مهدی علیه السلام

سفیر اول امام مهدی علیه السلام ابو عمرو عثمان بن سعید عمری است. او به جهت شناخته نشدن، به شغل روغن فروشی روی آورد. در مصادر تاریخی



سخن از سال ولادت و وفات او به میان نیامده است، و تنها اسم او برای اولین بار به عنوان وکیل خاص امام هادی علیه السلام برده شده است.

او بعد از شهادت امام هادی علیه السلام وکیل خاص از طرف امام عسکری علیه السلام شد. آن حضرت نیز او را در مناسبت‌های مختلف مورد مدح و ستایش خود قرار می‌داد. از جمله آن که در حق او فرمود: «هذا أبو عمرو الثقة الأمين، ثقة الماضي وثقتي في المحيى والممات، فما قاله لكم فعنى يقوله، وما أدى إليكم فعنى يؤديه»؛<sup>۱</sup> «این ابو عمرو، ثقه و امین است، مورد اطمینان گذشتگان و مورد اطمینان من در حیات و بعد از حیات من است، هر آنچه برای شما می‌گوید از من است و آنچه به شما می‌رساند از جانب من می‌باشد.»

در مجلسی که او با چهل نفر از شیعیان امام عسکری علیه السلام بودند، حضرت فرزند خود مهدی را به او نشان داد و بر امامت و غیبت او تصریح نمود، و درباره وکالت او فرمود: «هر آنچه عثمان (بن سعید) می‌گوید قبول کنید...».<sup>۲</sup> هنگام شهادت امام عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ هجری، در تغسیل حضرت حاضر بود و تمام امور ایشان را به عهده داشت.<sup>۳</sup>

ممکن است که این عمل را این گونه توجیه نماییم که او در ظاهر، عمل تغسیل را انجام داده تا امر بر حاکمان ظلم مشتبه گردد و گرنه مطابق برخی روایات، امر تغسیل و تکفین امام بر عهده امام است. عثمان بن سعید بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام به تصریح آن حضرت و نص امام مهدی علیه السلام هنگام

۱. الغيبة، طوسی، ص ۳۵۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۶، ح ۱. ۳. الغيبة، طوسی، ص ۳۵۶.

ورود قمی‌ها به سامرا، سفیر اوّل آن حضرت شد، و از آن موقع به انجام وظایف خود پرداخت، تا آن‌که وقت وفاتش رسید. فرزندش ابو جعفر محمد بن عثمان متولّی تجهیز او شد و در جانب غربی بغداد به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup> بعد از وفات عثمان بن سعید از ناحیه مقدّسه نامه‌ای صادر شد و حضرت در آن نامه با تسلیت به فرزندش محمد، او را به سفارت خود منصوب گردانید.<sup>۲</sup>

### مدرک سفارت سفیر اوّل

احمد کاتب می‌گوید: روایتی که نصّ صریح در اعلام امام عسکری علیه السلام بر سفارت عثمان بن سعید از طرف امام مهدی علیه السلام است از حیث سند ضعیف می‌باشد؛ زیرا در سند آن، جعفر بن محمد بن مالک فرازی است که نجاشی و ابن الغضائری او را تکذیب نموده‌اند.

در پاسخ او می‌گوییم:

۱ - جعفر بن محمد بن مالک را شیخ طوسی رحمته الله توثیق نموده است. و تضعیف او از کتاب ابن الغضائری منشأ شده که این کتاب نزد مشهور علمای امامیه به اثبات نرسیده است.

۲ - شیخ طوسی رحمته الله در کتاب «الغیبة» به سند اعلاّی از بزرگان طایفه از احمد بن اسحاق قمی مسأله توکیل نایب دوم و پدرش را روایت کرده است.<sup>۳</sup>

۱. بحار الأنوار. ج ۵۱. ص ۳۵۰. ح ۳.

۲. الغیبة، طوسی. ص ۳۶۱؛ کمال الدین، ص ۵۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۸.

۳. الغیبة، طوسی، ص ۳۵۹ و ۳۶۰.

۳ - شیعه در مسأله امامت و سفارت دقت زیادی به کار برده و به مجرد ادعای شخصی بر سفارت، حرف او را تصدیق نمی‌کرده است، و لذا با مدعیان دروغین سفارت شدیداً به مقابله پرداخته است.

### دفاع از عثمان بن سعید

برخی می‌گویند: موضوع غیبت امام زمان علیه السلام ساخته برخی از اصحاب خصوصاً عثمان بن سعید (نایب اول امام زمان علیه السلام) است. ولی در پاسخ او می‌گوییم:

اول کسی که به موضوع غیبت امام زمان علیه السلام اشاره کرد رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سپس امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر امامان بوده است. آنان غیبت او را پیش بینی کرده و وقوع آن را به مردم گوشزد کرده‌اند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «سوگند به خدایی که مرا برای بشارت برانگیخت، قائم فرزندان من بر طبق عهده‌ی که به او می‌رسد غایب می‌شود، به طوری که بیشتر مردم خواهند گفت: خداوند به آل محمد نیازی ندارد و دیگران در اصل تولد او شک می‌کنند، پس هرکس زمان غیبت را درک کرد باید دینش را نگهداری کند...»<sup>۱</sup>

اصبغ بن نباته از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده که فرمود: «آگاه باشید که آن جناب به طوری غایب می‌شود که شخص نادان خواهد گفت: خدا به آل محمد احتیاجی ندارد.»<sup>۲</sup>

۲. همان. ص ۳۹۳.

۱. اثبات الهداة، ج ۶، ص ۳۸۶.

امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر خبر غیبت امام خود را شنیدید انکار نکنید».<sup>۱</sup> لذا موضوع غیبت امام زمان علیه السلام آن چنان بین شیعیان شایع و رایج بود که شعرا در شعرهایشان و مؤلفان در کتابها به آن پرداخته‌اند. از جمله کسانی که قبل از ولادت امام زمان علیه السلام در مورد غیبت حضرت مهدی علیه السلام تألیف داشته‌اند عبارتند از:

- ۱ - علی بن حسن بن محمد طائی طاطری از اصحاب موسی بن جعفر علیه السلام.<sup>۲</sup>
- ۲ - علی بن عمر اعرج کوفی از اصحاب موسی بن جعفر علیه السلام.<sup>۳</sup>
- ۳ - ابراهیم بن صالح از اصحاب حضرت موسی بن جعفر علیه السلام.<sup>۴</sup>
- ۴ - حسن بن علی بن ابی حمزه، معاصر امام رضا علیه السلام.<sup>۵</sup>
- ۵ - عباس بن هشام ناشری اسدی، از اصحاب امام رضا علیه السلام.<sup>۶</sup>
- ۶ - علی بن حسن بن فضال از اصحاب امام هادی و عسکری علیه السلام.<sup>۷</sup>
- ۷ - فضل بن شاذان نیشابوری از اصحاب آن دو امام علیه السلام.<sup>۸</sup>

### سفر دوم امام زمان علیه السلام

ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عَمَری بعد از وفات پدرش همان گونه که امام عسکری علیه السلام تصریح نموده بود، به مقام سفارت نایل شد. آن حضرت به جماعت قمی‌ها فرمود: «اشهدوا علیَّ أنَّ عثمان بن سعید وکیل، و أنَّ ابنه

۲. رجال نجاشی، ص ۱۹۳.

۴. همان، ص ۲۸.

۶. همان، ص ۲۱۵.

۸. همان، ص ۲۳۵.

۱. همان، ص ۳۵۰.

۳. همان، ص ۱۹۴.

۵. همان.

۷. همان، ص ۱۹۵.

محمد وکیل ابنی مهدیکم؛<sup>۱</sup> «شهادت دهید بر من که عثمان بن سعید وکیل من است. و نیز فرزند او محمد وکیل فرزندم مهدی شماست.»

و نیز سفارت او با نص و تصریح پدرش به امضا رسید.<sup>۲</sup>

او نزد شیعیان عصر خود مورد وثوق و معروف به امانت داری بود. و هیچ یک از امامیه در این مطلب شک نداشتند. چگونه شک کنند در حالی که امام عسکری علیه السلام در حق او و پدرش فرمود: «العمری و ابنه ثقتان»؛<sup>۳</sup> «عمری و فرزندش مورد وثوقند...».

و نیز امام مهدی علیه السلام او را مورد تأیید خود قرار داد و فرمود: «لم یزل ثقتنا فی حیاة الأب رضی الله عنه»؛<sup>۴</sup> «تو در زمان حیات پدر دائماً مورد وثوق ما بودی...».

وی در حدود پنجاه سال به نحو احسن و ظایف خود را به خوبی انجام داد تا آن که در جمادی الاولی سال ۳۰۵ یا ۳۰۴ هجری به رحمت ایزدی پیوست.<sup>۵</sup> محمد بن عثمان بیشتر از دیگر سفیران در این پست و مقام به خدمت پرداخت. کتاب‌هایی در فقه تألیف کرده که از امام عسکری و حضرت مهدی علیه السلام و پدرش عثمان بن سعید و از امام هادی علیه السلام اخذ نموده است.<sup>۶</sup> او به ارشاد امام مهدی علیه السلام از زمان مرگش اطلاع داشته است، و لذا برای خود قبری را آماده نموده بود.<sup>۷</sup> بعد از وفات در کنار قبر پدرش به خاک سپرده شد.

۱. الغیبة، طوسی، ص ۳۵۵.  
 ۲. همان، ص ۳۵۹.  
 ۳. همان، ص ۳۶۰؛ کافی، ج ۱، ص ۳۲۹. ۴. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۹.  
 ۵. الغیبة، طوسی، ص ۳۶۶.  
 ۶. همان، ص ۳۶۳.  
 ۷. همان، ص ۳۶۵.

سفير سوم امام زمان علیه السلام

سفير سوم، شيخ جليل ابوالقاسم حسين بن روح نوبختی است. او در ابتدای امر وکیل ابی جعفر محمد بن عثمان عمري بود که بر املاک او نظارت داشت، تا آن که وصیت با نص به او منتهی شد و هیچ کس در این امر شک نداشت.<sup>۱</sup> برخی از شیعیان، مالی را برای ابوجعفر عمري به مقدار چهارصد دینار فرستادند تا به امام زمان علیه السلام برساند، ابوجعفر دستور داد تا آن را به حسين بن روح بدهند. او هنگامی که تردید و شک آن شخص را به جهت ثابت نشدن سفارتش دید، بار دیگر تأکید کرد که این مبلغ را به حسين بن روح برساند، زیرا این دستور امام زمان علیه السلام است.

بعد از آن که وضع مزاجی ابوجعفر عمري بحرانی شد جماعتی از بزرگان شیعه از آن جمله ابوعلی بن همام، ابو عبدالله بن محمد کاتب، ابو عبدالله باقطنی، ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی، ابو عبدالله بن وجناء و دیگر بزرگان، بر او وارد شدند و عرض کردند که اگر بر شما اتفاقی افتاد چه کسی جانشین شما خواهد بود؟ ابوجعفر عمري فرمود: این ابوالقاسم حسين بن روح، قائم مقام من و سفير بين شما و صاحب امر علیه السلام است. او وکیل و ثقه و امین است، پس در امورتان به او مراجعه نموده و در امور مهم بر او اعتماد نمایید، زیرا من به این مطلب امر شده‌ام تا بر شما ابلاغ نمایم.<sup>۲</sup>

ابوجعفر بن احمد متیل می‌گوید: هنگام وفات محمد بن عثمان عمري من بالای سر او نشسته بودم و از او سؤال می‌کردم و حسين بن روح نیز بر پایین

۲. همان. ص ۳۷۱.

۱. همان. ص ۳۷۲.



پای او قرار داشت. محمد بن عثمان روی به من نموده و فرمود: من امر شدم تا بر ابی القاسم بن روح وصیت کنم. من با شنیدن این خبر از جای خود بلند شده، حسین بن علی روح را به جای خود بر بالای سر محمد بن عثمان قرار دادم.<sup>۱</sup> جهت این تأکیدات از ناحیه محمد بن عثمان بر وصایت حسین بن روح این بود که او چندان جایگاه ویژه‌ای در بین شیعیان به جهت ارتباط با امامان علیهم‌السلام نداشته است، اگرچه از نزدیکان خاص محمد بن عثمان بوده است. و سرّ سفارت دادن به او، به جهت اخلاص و فداکاری او بوده است. وی بعد از وفات ابوجعفر عمّری به مدت ۲۱ سال سفارت را بر عهده داشت. اولین نامه‌ای را که از حضرت دریافت کرد مشتمل بر درود فراوان از جانب آن حضرت بر او بود.<sup>۲</sup>

از آن زمان به وظیفه خود مشغول شد. و روش او التزام به تقیه شدید و مضاعف بود، به حیثی که اظهار اعتقاد به مذهب اهل سنت می‌نمود تا از این طریق بتواند به وظایف خود عمل کند. او در ایام سفارتش شدیداً با انحرافات و ادعاهای انحرافی سفارت مبارزه می‌نمود، تا آن‌که در سال ۳۲۶ هجری رحلت نمود.

### سفیر چهارم امام زمان علیه‌السلام

سفیر چهارم، شیخ جلیل ابوالحسن علی بن محمد سَمَری است. تاریخ ولادت او مشخص نیست، ولی برای اولین بار به عنوان یکی از اصحاب امام

۲. همان، ص ۳۷۲.

۱. همان، ص ۳۷۰.

عسکری علیه السلام شناخته شده است،<sup>۱</sup> که در بغداد با اشاره حسین بن روح از طرف امام زمان علیه السلام متصدی امر سفارت شد.

در مورد سفارت او خبر معینی نرسیده، و تنها این مطلب را می‌توان با تسالم و اتفاقی که در بین شیعیان درباره سفارت او بوده کشف نمود، و این موضوع را می‌توان در نتیجه، کاشف از ابلاغی دانست که از طرف امام زمان علیه السلام به حسین بن روح شده است. او وظایف خود را در امر سفارت از هنگام وفات حسین بن روح به مدت سه سال ادامه داد. وی گرچه همانند دیگران مورد وثوق و اطمینان بود، ولی همانند آن سه سفیر فعالیت گسترده‌ای نداشته است. و این امر بعید به نظر نمی‌رسد؛ زیرا در آن سال‌ها مملکت اسلامی پر از ظلم و جور و خونریزی‌ها و درگیری‌ها بوده است، اموری که با برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی منافات داشت. و این خود به تنهایی می‌تواند تأثیرگذار در انقطاع سفارت بعد از وفات او و عزم امام علیه السلام بر انقطاع و شروع غیبت کبری نیز باشد. و لذا چند روز قبل از وفاتش توقیعی را از امام علیه السلام دریافت می‌کند که حضرت در آن، خبر از انتهای غیبت صغری و عهد سفارت با مرگ او می‌دهد و او را از وصیت کردن به سفارت برای بعد از خودش منع می‌نماید.<sup>۲</sup>

راوی می‌گوید: بعد از شش روز از صدور این توقیع به خدمت علی بن محمد رسیدیم در حالی که در حال احتضار بود. به او عرض شد: وصی تو

۱. رجال شیخ طوسی، ص ۴۰۰.

۲. کمال الدین، ص ۵۱۶؛ اعلام الوری، ص ۴۴۵.

کیست؟ فرمود: «برای خدا امری است که او رساننده آن است». این را گفت و از دار دنیا رحلت نمود.

### اثبات نیابت چهار سفیر حضرت علیه السلام

۱ - در مورد عثمان بن سعید می‌گوییم: او مورد وثوق امام عسکری علیه السلام بوده و امام مهدی علیه السلام نیز بر منصبش تصریح نموده است.

در مورد فرزندش محمد بن عثمان نیز می‌گوییم: او منصوب از طریق پدرش بوده و غیر از آن که مورد وثوق امام عسکری بوده، از طرف امام زمان علیه السلام نیز بر این امر نیابت خاصه داشته است.

حسین بن روح نیز از طرف محمد بن عثمان به این سمت منصوب شد، و او نیز علی بن محمد سمّری را بر این مقام منصوب کرد.

۲ - راه دوم برای اثبات نیابت این چهار بزرگوار این است که آن‌ها خطّ امام را که معروف بود، به دیگران نشان داده، بازگو می‌کردند. خطّ حضرت در زمان پدرش امام عسکری علیه السلام نزد شیعیان معروف بود.

۳ - کرامات فراوانی که به دست مبارک این بزرگواران انجام می‌گرفت، می‌توانست اثبات کننده سفارت آن‌ها باشد. این کرامات در برخی موارد به دست آن‌ها انجام می‌گرفت و برخی دیگر نیز منسوب به امام زمان علیه السلام بود که آن‌ها به اطلاع شیعیان می‌رساندند، همان گونه که در قضیه معروف از ابوعلی بغدادی رسیده است.<sup>۱</sup>

۱. کمال الدین، ص ۵۰۲ و ۵۱۸.

سید عبدالله شبّر می‌گوید: «شیعه هرگز گفتار نواب را نمی‌پذیرفت مگر در صورتی که معجزه‌ای از طرف امام عصر علیه السلام به دست آن‌ها ظاهر می‌گشت که دلالت بر صدق گفتار و صحت نیابت آن‌ها داشت».<sup>۱</sup>

## نحوه ارتباط نواب اربعه با شیعیان

شیعیان با نواب اربعه دو نوع ارتباط داشتند:

### ۱ - ارتباط با واسطه و غیر مستقیم

ارتباط با واسطه یک اصل در سازمان سفارت بود، چرا که این سازمان به جهت ظلم عباسیان نمی‌توانست آشکارا و آزادانه فعالیت کند. بنابراین باید در ارتباط با مردم از راه‌های استتاری بهره می‌گرفت.

### ۲ - ارتباط مستقیم و بی‌واسطه

این ارتباط در آغاز فعالیت نواب اربعه، در دوره غیبت صغری وجود نداشت، زیرا بنا بود که مسأله نیابت خاصه مخفی بماند، تا حاکمان جور بازتاب و واکنشی از خود نشان ندهند. ولی کم‌کم شیعیان به صورت پنهانی نام و نشانی سفیر را از وکلا و خواص گرفتند و توانستند با آنان مستقیماً تماس بگیرند. این کار عمدتاً از زمان سفارت دومین سفیر شروع شد و ادامه یافت. شیخ طوسی درباره این نوع ارتباط می‌نویسد: «عده‌ای از افراد مورد اعتماد نزد سفرای امام مهدی علیه السلام می‌رفتند و با دادن نامه و یا بیان داشتن خواسته‌های خود، پاسخ آن را از ناحیه مقدسه و توسط سفرا دریافت می‌کردند».<sup>۲</sup>

۲. الغیبة طوسی، ص ۲۵۷.

۱. حق‌الیقین، ص ۲۴۲.

## وظایف و مسئولیت‌های نواب اربعه

وظایف و محور کلی فعالیت‌های نواب اربعه بدین قرار است:

۱ - زدودن شک و حیرت مردم درباره وجود امام مهدی علیه السلام

مهم‌ترین وظیفه‌ای که نواب اربعه به ویژه سفیر اول یعنی عثمان بن سعید عمّری بر عهده داشت این بود که برای شیعیان ثابت کند، امام عسکری علیه السلام فرزندی دارد که اکنون امام است و او نایب خاص آن حضرت می‌باشد.

۲ - حفظ امام مهدی علیه السلام از راه پنهان داشتن نام و مکان آن حضرت

امام مهدی علیه السلام در توقیعی به محمد بن عثمان بن سعید عمّری بیان داشت که از ذکر نام و نشان آن حضرت خودداری کند و در جهت پنهان داشتن نام و مکان آن حضرت بکوشد.<sup>۱</sup>

ابوسهل نوبختی در جواب این سؤال که چرا تو سفیر ناحیه مقدسه نشدی؟ فرمود: «من نمی‌توانم مانند حسین بن روح سرنگهدار باشم».<sup>۲</sup>

۳ - سازماندهی و سرپرستی سازمان وکالت

از طریق این سازمان، شیعیان پرسش‌ها و شبهات دینی خود را با وکلا در میان می‌گذاشتند و آنان به واسطه سفیر از ناحیه مقدسه پاسخ را به شیعیان می‌رساندند، و نیز وجوه شرعی خود را به وکلا می‌دادند و وکلا آن را به مسئول سازمان تحویل می‌دادند.

۴ - پاسخ‌گویی به پرسش‌های فقهی و مشکلات عقیدتی

آنان گاهی پرسش‌های فقهی و مسائل مستحدثه شیعیان را به عرض امام

۱. همان، ص ۲۲۲.

۲. همان، ص ۲۴۰.

مهدی علیه السلام می‌رساندند و پاسخ آن را دریافت و به شیعیان ابلاغ می‌کردند.<sup>۱</sup>

۵ - اخذ و توزیع اموال متعلق به امام مهدی علیه السلام

امام مهدی علیه السلام در روز بعد از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام و یا در همان روز، بعد از مراسم خاک سپاری امام عسکری علیه السلام به هیئت قمی‌ها دستور داد که از این به بعد، اموال متعلق به آن حضرت را به وکیلش در بغداد (ابوعمر، عثمان بن سعید عمّری) تحویل دهند.<sup>۲</sup>

۶ - مبارزه با غلات و مدعیان دروغین نیابت و باییت

در راستای همین وظیفه، در این دوره هفتاد ساله هر کسی که به دروغ ادعای باییت و وکالت نمود، مثل حلاج، شلمغانی و دیگران، با آنان به مبارزه برخاستند و از ناحیه مقدسه توقیعاتی به واسطه آنان صادر شد، و با روشن شدن ماهیت آنان، شیعیان امامیه از این نوع انحرافات مصون ماندند و به سفارت نواب اربعه و وکالت بیشتر اعتماد نمودند.

۷ - مبارزه با وکلای خائن

گاهی برخی از وکلا منحرف می‌شدند و از وظایف اصلی خود عدول می‌کردند. در این صورت مشکلاتی را برای سازمان مخفی وکالت به وجود می‌آوردند، و گاهی وجوه شرعی را نزد خود نگه می‌داشتند، در این صورت نواب اربعه هر کدام به نوبه خود مسئولیت داشتند تا با آن وکیل خائن مبارزه کنند.

۸ - آماده سازی مردم برای پذیرش غیبت کبری

این وظیفه بیش از همه بر دوش ابوالحسن علی بن محمد سمّری آخرین

۱. اعلام الوری، ص ۴۵۲.

۲. کمال الدین، ص ۴۷۸.



سفیر امام مهدی علیه السلام سنگینی داشت. از این رو امام مهدی علیه السلام از راه اعجاز به او کمک کرد و شش روز قبل از مرگش توقیعی صادر نمود و زمان دقیق وفات وی را بیان داشت تا این که حجت بر همگان تمام شود و اذهان، آماده پذیرش دوره دیگری از غیبت آن حضرت باشد.

### ملاک معیار انتصاب نواب اربعه

امامان معصوم علیهم السلام بر اساس حکمت رفتار می کردند و قطعاً در نصبها یک سری معیارها و ملاک‌هایی را مد نظر داشتند از قبیل:

#### ۱ - تقیه و رازداری در حدّ بالا

سفیر اول حضرت، عثمان بن سعید برای رعایت تقیه می‌کوشید تا خود را از بازرسی‌های رژیم عباسی دور نگه دارد. او بدین منظور در هیچ بحث و مجادله مذهبی یا سیاسی به صورت آشکار درگیر نمی‌شد.<sup>۱</sup>

حسین بن روح نیز در راستای رعایت و حفظ تقیه، یکی از خدمتگزاران خود را تنها به این دلیل که معاویه را لعن نمود عزل و اخراج کرد.<sup>۲</sup>

#### ۲ - صبر و استقامت بسیار عالی و ممتاز

عده‌ای از ابوسهیل نوبختی پرسیدند: چرا تو نایب خاص حضرت نشدی؟ او در جواب گفت: «آنان (امامان علیهم السلام) بهتر از همه می‌دانند که چه کسی لایق این مقام است. من آدمی هستم که با دشمنان رفت و آمد دارم و با آنان مناظره

۱. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، دکتر جاسم حسین، ص ۱۴۹.

۲. الغیبة طوسی، ص ۲۳۷.

می‌کنم. اگر آنچه را که ابوالقاسم حسین بن روح درباره امام مهدی علیه السلام می‌داند من می‌دانستم، شاید در بحث‌هایم با دشمنان، آن‌گاه که جدال و لجاجت آنان را می‌دیدم، می‌کوشیدم تا دلایل بنیادی را بر وجود امام ارائه دهم و در نتیجه محل اقامت او را برملا می‌ساختم. اما اگر ابوالقاسم حسین بن روح، امام را زیر عبای خود پنهان داشته باشد، و بدنش را با قیچی قطعه قطعه کنند تا امام مهدی علیه السلام را نشان دهد، هرگز عبای خود را کنار نمی‌زند و امام را نشان نمی‌دهد.<sup>۱</sup>

### ۳ - نسبت به دیگران فهمیده‌تر بودن

شیخ طوسی در کتاب «الغیبة» به فهم و درایت آنان اشاره کرده است.<sup>۲</sup>

### ۴ - حساس نبودن حکومت نسبت به آنان

امام مهدی علیه السلام در انتخاب نمایان خاص خود از افرادی استفاده می‌کرد که در دستگاه ظالمان عباسی نسبت به آن‌ها حساسیتی نباشد، چون نیابت خاص، کاری بود بسیار مخفی و مبهم و مهم؛ و لذا هر یک از آنان دارای شغل بوده، کاسبی می‌کرده‌اند تا شناخته نشوند.

## عوامل ادعای دروغین سفارت

هنوز مدتی از عهد سفارت ناحیه مقدسه نگذشته بود که این دستگاه مقدس مبتلا به مصیبت مدعیان دروغین سفارت گشت. آنان از این ادعای

۱. الغیبة طوسی، ص ۲۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۹.

۲. همان، ص ۲۳۶.

دروغین خود اهدافی را دنبال می نمودند که عبارت بود از:

۱ - از آنجا که ایمان ضعیفی داشتند با این ادعا در صدد انحراف مردم و جامعه شیعی بودند.

۲ - طمع به دست آوردن اموال مردم و حقوق شرعیه، زیرا از آنجا که امام زمان علیه السلام در غیبت به سر می بردند اینها می توانستند در اموال تصرف نمایند.

۳ - گسترش موقعیت خود در جامعه، زیرا با این ادعا و انتساب خود به امام مهدی علیه السلام در صدد گسترش شهرت خود بر می آمدند.

### مدعیان دروغین سفارت

شروع تزویر در امر سفارت به عصر سفیر دوم محمد بن عثمان عمّری باز می گردد؛ زیرا پدر او عثمان بن سعید به قدری معروف بود که هیچ کس جرأت معارضه با او را نداشت.

اول کسی که ادعای سفارت دروغین نمود ابو محمد شریعی بود.<sup>۱</sup> و بعد از او محمد بن نصیر نمیری<sup>۲</sup> و احمد بن هلال کرخی<sup>۳</sup> و ابوطاهر محمد بن علی بن بلال بلالی<sup>۴</sup> و ابوبکر محمد بن احمد بن عثمان بغدادی و اسحاق احمر<sup>۵</sup> و مردی معروف به باقطنی.<sup>۶</sup>

برخی از آنان در ابتدا از مردان صالح بودند ولی به جهات مختلف راه

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۶۷.

۲. همان، ص ۳۶۷.

۳. همان، ص ۳۶۸.

۴. همان، ص ۳۶۹.

۵. همان.

۶. همان، ص ۳۰۱.

انحراف را پیشه نمودند. سفیر دوم با تمام قدرت به مقابله با آنها پرداخت، و نیز از ناحیه مقدسه توقیعات و بیانات شدید در لعن و تبری از آنان صادر شد که دلالت بر دروغگویی و سوء باطن آنان داشت.

در زمان سفارت حسین بن روح - سفیر سوم - مصیبت در این زمینه بیشتر شد، زیرا شخصی به نام محمد بن علی شلمغانی غزافری ادعای سفارت نمود و بیشترین تأثیر را در انحراف جامعه به جای گذاشت.<sup>۱</sup> او گرچه در ابتدای امر، مردی مؤمن به نظر می‌رسید و وکیل حسین بن روح بود، ولی عاقبت به انحراف کشیده شد. آخرین کسی که ادعای دروغین سفارت داشت ابودلف کاتب بود که بر این ادعای خود تا بعد از وفات سمري - سفیر چهارم - باقی بود.

### وکالت ناحیه مقدسه

از تاریخ به دست می‌آید که امام زمان علیه السلام به جز چهار سفیر معروف، وکلایی نیز داشته است که در اطراف ممالک و شهرهای اسلامی مشغول به انجام وظیفه بوده‌اند. ولی بین سفیران و وکیلان دو فرق اساسی وجود داشته است:

۱ - سفیر با امام زمان علیه السلام به طور مستقیم مواجهه داشته و او را به طور شخصی می‌شناخته است، در حالی که وکلا این چنین نبوده‌اند، و ارتباطشان با حضرت از طریق سفیران انجام می‌گرفت.

۲ - مسئولیت سفیر، عمومی بود و شامل تمام شیعیان می‌شد، ولی مسئولیت وکیل در محدوده منطقه خودش بود.

کار وکیل، سهیم شدن در تسهیل کارهای گسترده‌ای بوده که بر عهدهٔ سفیر قرار گرفته بود. خصوصاً با در نظر گرفتن این مطلب که قرار بر سرّی بودن و کتمان کردن امور شیعیان در ارتباط با حضرت بود. و نیز عملکرد آنها در مخفی نمودن سفیر و کتمان اسم و شخص او تأثیر بسزایی داشته است.

### **وظایف سازمان وکالت**

با بررسی شواهد تاریخی چنین به دست می‌آید که سازمان وکالت از آغاز تا پایان فعالیت آن، کارکردهای گوناگونی را دارا بوده است که از آن جمله عبارت است از:

- ۱ - دریافت، تحویل و توزیع وجوه شرعی.
- ۲ - رسیدگی به اوقاف.
- ۳ - راهنمایی و ارشاد شیعیان و مناظره با مخالفان.
- ۴ - ایفای نقش سیاسی سازمان وکالت.
- ۵ - ایفای نقش ارتباطی سازمان وکالت.
- ۶ - کمک به نیازمندان و حل مشکلات شیعیان.

توقیعات  
ناحیه مقدّسه



توقیع در لسان روایات، مطابق با مفهومی است که عرف آن را به کار گرفته است، و آن عبارت است از کلمات کوتاه که بزرگان، ذیل نامه‌های رسیده و عریضه‌ها مکتوب می‌داشتند، و با آن خواسته‌سائل را برآورده می‌نمودند. در نتیجه توقیعات حضرت مهدی علیه السلام همان مطالبی بود که حضرت به خط مبارک خود در جواب سؤال‌ها و عریضه‌ها ذیل نامه‌ها مرقوم می‌داشتند و توسط یکی از سفرا به صاحبان نامه‌ها باز می‌گرداندند.

اگرچه به لحاظ معنای اصطلاحی، «توقیع» در معنا و مفهوم آن سؤال از مسأله‌ای نهفته است ولی در برخی موارد بر بیانات حضرت که به صورت ابتدایی صادر می‌شد - اگرچه از آن سؤال نشده بود - نیز توقیع اطلاق شده است.

### نقش سفیر در توقیعات

اگرچه در صدور توقیعات حضرت مهدی علیه السلام جایگاه حضرت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا اوست که ذیل نامه را به خط مبارکش تزئین کرده است، ولی نمی‌توان نقش سفیر را در پدید آمدن آن نادیده گرفت. این سفیر است که نامه را از سائل گرفته و به دست امام رسانده و در مدت اندک یا

طولانی جواب آن را به سائل رسانده است، بلکه به تعبیری، سفیر واسطه در ایجاد توقیع نیز بوده است، زیرا اگر امام چنین سفیر امینی نمی داشت هرگز نامه رسیده را توقیع نمی فرمود.

### مدت زمان صدور توقیع

از برخی روایات استفاده می شود که مدت زمان خروج توقیع در جواب سؤال معینی دو یا سه روز بوده است، همان گونه که راوی در برخی روایات می گوید: بعد از چند روز صاحب من گفت که به سوی ابوجعفر بازگردم تا از جواب سؤال ها پرسم.<sup>۱</sup> در روایتی دیگر آمده است: آن گاه سفیر بعد از سه روز، مرا از جواب حضرت خبر داد.<sup>۲</sup>

در برخی موارد نیز جواب، شفاهی بوده است که سفیر از حضرت می گرفته و برای سائل می آورده است. مثل این که حسین بن روح نوبختی به عده ای می گوید: «شما امر شدید که به حائر روید».<sup>۳</sup>

و در برخی از موارد نیز جواب سؤال کننده به جهت مصالحی داده نمی شد. از باب نمونه در موردی سائل از امام خواست که برای او دعا کند که خدا به او فرزندی دهد، ولی به جهت مصالحی جواب نیامد.<sup>۴</sup>

و گاه کسی سؤالی را برای حضرت فرستاد که جواب نیامد، و بعد از چند

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۲۱، ح ۴۲. ۲. الغیة طوسی، ص ۳۲۰.

۳. همان، ص ۳۰۹. ۴. همان، ص ۳۲۰.

روزی مشاهده شد که جزء قرامطه درآمده است.<sup>۱</sup> گرچه در برخی از موارد نیز جواب سؤال‌ها ظرف چند ساعت داده شده است.<sup>۲</sup> و در برخی دیگر از روایات می‌خوانیم که جواب آمد در حالی که هنوز مرکب بر روی کاغذ خشک نشده بود<sup>۳</sup> و نیز در برخی روایات می‌خوانیم که به مجرد خطور سؤال در ذهن شخص جواب بر روی کاغذ مکتوب بوده است،<sup>۴</sup> ولی این موارد زیاد نبوده است.

### خط حضرت مهدی علیه السلام در توقیعات

از مجموعه روایات استفاده می‌شود که برخی توقیعات به خط خود حضرت بوده، و برخی نیز به خط سفرا با دستور امام علیه السلام بوده است.

اسحاق بن یعقوب می‌گوید: «توسط محمد بن عثمان عمری مسائل مشکلی را به ناحیه مقدسه فرستادم و جوابش را به دست خط مبارک امام زمان علیه السلام دریافت داشتم».<sup>۵</sup>

محمد بن عثمان عمری می‌گوید: «از ناحیه مقدسه توقیعی صادر شد که خطش را خوب می‌شناختم».<sup>۶</sup>

شیخ صدوق علیه السلام می‌فرماید: «توقیعی که به خط امام زمان علیه السلام برای پدرم صادر شد اکنون نزد من موجود است».<sup>۷</sup>

۱. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۵۹.  
 ۲. همان، ص ۴۱۰.  
 ۳. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۹.  
 ۴. همان، ص ۳۳.  
 ۵. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۳.  
 ۶. همان، ص ۳۳.  
 ۷. انوار النعمانیة، ج ۳، ص ۲۴.

شیخ ابو عمرو عامری می‌گوید: «ابن ابی‌غانم قزوینی با جماعتی از شیعیان در موضوعی اختلاف و مشاجره نمودند و برای رفع نزاع، نامه‌ای به ناحیه مقدسه نوشته و جریان را به عرض رساندند. پس جواب نامه آنان به خط مبارک امام علیه السلام صادر شد».<sup>۱</sup>

از این روایات معلوم می‌شود که توقیعات، قرائن و شواهد صدق به همراه داشته و یا اصحاب حضرت، دست خط او را می‌شناختند، و لذا مورد قبول آنان قرار می‌گرفته است. لیکن در مقابل، روایاتی وجود دارد که برخی توقیعات به خط حضرت نبوده بلکه به خط سفیران و به امر حضرت نوشته شده است.

ابو نصر هبة الله می‌گوید: توقیعات صاحب الامر علیه السلام به همان خطی که در زمان امام حسن عسکری علیه السلام صادر می‌شد به وسیله عثمان بن سعید و محمد بن عثمان برای شیعیان صادر می‌گشت.<sup>۲</sup>

### فهرست برخی توقیعات

حدود هفتاد توقیع یا بیشتر در مصادر مهدویت موجود است که به برخی از

آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱ - توقیع به علی بن محمد سمری.<sup>۳</sup>

۲ - توقیع به ابی جعفر عمّری در سوگ پدرش.<sup>۴</sup>

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۶.

۴. همان، ص ۵۱۰.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸.

۳. کمال الدین، ص ۵۱۶.

- ۳ - توقیع به سعد بن عبدالله قمی.<sup>۱</sup>
- ۴ - توقیع به اسحاق بن یعقوب.<sup>۲</sup>
- ۵ - توقیع به محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری در جواب مسائش.<sup>۳</sup>
- ۶ - توقیع دیگری به حمیری درباره زیارت حضرت.<sup>۴</sup>
- ۷ - توقیع به احمد بن خضر بن ابی صالح خجندی.<sup>۵</sup>
- ۸ - توقیع به حسن بن فضل یمانی.<sup>۶</sup>
- ۹ - توقیع به ابو عمرو و فرزندش ابو جعفر محمد.<sup>۷</sup>
- ۱۰ - توقیع به محمد بن ابراهیم مهزیاری.<sup>۸</sup>
- ۱۱ - توقیع در ردّ جعفر کذاب.<sup>۹</sup>
- ۱۲ - توقیع به احمد بن حسن مادرایی.<sup>۱۰</sup>
- ۱۳ - توقیع درباره قصه احمد بن ابی روح.<sup>۱۱</sup>
- ۱۴ - توقیع به حاجز و شأ.<sup>۱۲</sup>
- ۱۵ - توقیع به محمد بن جعفر.<sup>۱۳</sup>
- ۱۶ - توقیع به محمد بن صالح بعد از مرگ عبرتایی.<sup>۱۴</sup>

- |                                     |                                      |
|-------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱. همان، ص ۴۵۹ - ۴۶۳.               | ۲. همان، ص ۴۸۳.                      |
| ۳. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۵۱ - ۱۷۰. | ۴. همان، ج ۹۹، ص ۸۱ ح ۱.             |
| ۵. کمال الدین، ص ۵۰۹.               | ۶. کافی، ج ۱، ص ۵۲۰.                 |
| ۷. کمال الدین، ص ۵۱۰.               | ۸. همان، ص ۴۸۶.                      |
| ۹. الغیبة طوسی، ص ۲۸۷.              | ۱۰. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۰۳، ح ۱۹. |
| ۱۱. همان، ج ۵۱، ص ۲۹۵.              | ۱۲. کمال الدین، ص ۴۹۳.               |
| ۱۳. کافی، ج ۱، ص ۵۲۴.               | ۱۴. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۲۸.       |

- ۱۷ - توقیع در جواب نامه سَمَری.<sup>۱</sup>
- ۱۸ - توقیع در جواب سؤال مردی از اهل فانیم.<sup>۲</sup>
- ۱۹ - توقیع در جواب نامه محمد بن حسن مروزی.<sup>۳</sup>
- ۲۰ - توقیع در جواب نامه محمد بن یوسف.<sup>۴</sup>
- ۲۱ - توقیع در جواب سؤال های محمد بن جعفر اسدی.<sup>۵</sup>
- ۲۲ - توقیع در رد غلات به محمد بن علی بن هلال کرخی.<sup>۶</sup>
- ۲۳ - توقیع به محمد بن شاذان.<sup>۷</sup>
- ۲۴ - توقیع برای احمد بن حسن خازن.<sup>۸</sup>
- ۲۵ - توقیع برای علی بن محمد بن اسحاق اشعری.<sup>۹</sup>
- ۲۶ - توقیع در خبر دادن از ضمیر عبیدالله بن سلیمان.<sup>۱۰</sup>
- ۲۷ - توقیع در جواب نامه ابن ابی غانم قزوینی.<sup>۱۱</sup>
- ۲۸ - توقیع در کیفیت تعلیم نماز.<sup>۱۲</sup>
- ۲۹ - توقیع در جواب آنچه محمد بن شاذان برای حضرت فرستاد.<sup>۱۳</sup>
- ۳۰ - توقیع در جواب نامه محمد بن یزداذ.<sup>۱۴</sup>

- |                             |                                  |
|-----------------------------|----------------------------------|
| ۱. دلائل الامامة، ص ۲۸۶.    | ۲. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۶۹۹.     |
| ۳. الغیبة، طوسی، ص ۴۱۵.     | ۴. کافی، ج ۱، ص ۵۱۹.             |
| ۵. کمال الدین، ص ۵۲۰.       | ۶. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۶۶.    |
| ۷. کمال الدین، ص ۵۰۹.       | ۸. کافی، ج ۱، ص ۵۲۳.             |
| ۹. کمال الدین، ص ۴۹۷.       | ۱۰. کافی، ج ۱، ص ۵۲۵.            |
| ۱۱. الغیبة، طوسی، ص ۲۸۵.    | ۱۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۰-۲۲. |
| ۱۳. جامع الرواة، ج ۲، ص ۶۳. | ۱۴. کمال الدین، ص ۴۹۳.           |

- ۳۱ - توقیع در جواب خواست قاسم بن علا.<sup>۱</sup>
- ۳۲ - توقیع در جواب نامه مردی از اهل ربض.<sup>۲</sup>
- ۳۳ - توقیع در جواب سائلی که از قم رسیده بود.<sup>۳</sup>
- ۳۴ - توقیع به حسن بن عبدالحمید.<sup>۴</sup>
- ۳۵ - توقیع در توثیق محمد بن جعفر عربی.<sup>۵</sup>
- ۳۶ - توقیع در جواب سؤال ابوالحسن خضر بن محمد.<sup>۶</sup>
- ۳۷ - توقیع اول به شیخ مفید<sup>۷</sup>.
- ۳۸ - توقیع دوم به شیخ مفید<sup>۸</sup>.
- ۳۹ - توقیع در جواب نامه علی بن بابویه.<sup>۹</sup>
- ۴۰ - توقیع در جواب نامه محمد بن کشر.<sup>۱۰</sup>
- ۴۱ - توقیع در جواب نامه جعفر بن حمدان.<sup>۱۱</sup>
- ۴۲ - توقیع در جواب نامه علی بن زیاد.<sup>۱۲</sup>
- ۴۳ - توقیع به حسن بن قاسم بن علا.<sup>۱۳</sup>
- ۴۴ - توقیع به ابی القاسم بن ابی حلیس.<sup>۱۴</sup>

- |                                |                               |
|--------------------------------|-------------------------------|
| ۱. کافی، ج ۱، ص ۵۱۹.           | ۲. کمال الدین، ص ۴۹۴.         |
| ۳. الغیبة، طوسی، ص ۳۷۳.        | ۴. کافی، ج ۱، ص ۵۲۱.          |
| ۵. الغیبة، طوسی، ص ۴۱۵.        | ۶. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۷. |
| ۷. احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.         | ۸. همان، ج ۲، ص ۴۹۸.          |
| ۹. رجال علامه، ص ۹۴.           | ۱۰. کمال الدین، ص ۴۹۵.        |
| ۱۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۶. | ۱۲. کافی، ج ۱، ص ۵۲۴.         |
| ۱۳. الغیبة، طوسی، ص ۳۱۵.       | ۱۴. کمال الدین، ص ۴۹۳.        |

۴۵ - توقیع در جواب رقعة بلخی.<sup>۱</sup>

۴۶ - توقیع بر احمد بن حسن.<sup>۲</sup>

۴۷ - توقیع به محمد بن همّام.<sup>۳</sup>

و دیگر توقیعات.

### نمونه‌هایی از توقیعات ناحیه مقدسه

اینک فقراتی از برخی توقیعات صادر شده از ناحیه مقدسه که جنبه کاربردی داشته و برای شیعیان امام زمان علیه السلام در این عصر و زمان نیز پیام دارد را ذکر می‌کنیم:

۱ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «ما أرغم أنف الشيطان أفضل من الصلاة، فصلّها وأرغم أنف الشيطان»؛<sup>۴</sup> «هیچ چیز به مانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمی‌ساید، پس نماز بگذار و بینی ابلیس را به خاک بمال»

این کلام، از پاسخ‌هایی است که از ناحیه مقدس امام زمان علیه السلام در جواب مسائل ابی‌الحسین جعفر بن محمد اسدی، صادر شده است.

۲ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «أما وجه الإنتفاع بي في غيبتي فكالإنتفاع بالشمس إذا غيبتها عن الأبصار السحاب»؛<sup>۵</sup> «اما کیفیت و چگونگی استفاده از

۱. همان، ص ۴۸۸. ۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۰۳.

۳. همان، ج ۵۳، ص ۱۸۴.

۴. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۵۲۰، ح ۴۹؛ فقیه، ج ۱، ص ۴۹۸، ح ۱۴۲۷؛ تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۱۷۵، ح ۱۵۵؛ الإستبصار، ج ۱، ص ۲۹۱، ح ۱۰؛ الغيبة، طوسی، ص ۲۹۶، ح ۲۵۰؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۹۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ح ۱۸۲، ح ۱۱؛ وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۲۳۶، ح ۵۰۲۳.

۵. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۱۰؛ الغيبة، شیخ طوسی، ص ۲۹۲، ح ۲۴۷؛ احتجاج، ج ۲،



من در غیبت‌ام، همانند استفاده از خورشید است هنگامی که ابرها آن را از دیدگان پنهان نگاه دارد.»

این کلام را امام زمان علیه السلام، در پایان پاسخ به پرسش‌های اسحاق بن یعقوب آورده است.

۳ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «أما أموالكم فلا تقبلها إلا لتطهروا، فمن شاء فليصل ومن شاء فليقطع، فما آتاني الله خيرا مما آتاكم»؛<sup>۱</sup> «اما اموال شما، پس آن‌ها را نمی‌پذیریم، مگر به خاطر این‌که پاک شوید. پس هر که می‌خواهد، بپردازد، و هر که نمی‌خواهد، نپردازد. آنچه را که خدا به ما عطا کرده، از آنچه به شما عطا نموده بهتر است.»

این عبارت، بخشی از مطالبی است که امام زمان علیه السلام، در جواب سؤال‌های اسحاق بن یعقوب، در توقیع مبارک خود مرقوم فرموده‌اند.

۴ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «أكثرُوا الدعاء بتعجيل الفرج، فإن ذلك فرجكم»؛<sup>۲</sup> برای شتاب در گشایش حقیقی و کامل، بسیار دعا کنید، زیرا، همانا، فرج شما، در آن است.»

ص ۲۸۴: إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۷۲: كشف الغمة، ج ۳، ص ۳۴۰: الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۵: بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱، ح ۱۰.  
 ۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۴، ح ۴: الغيبة، طوسی، ص ۲۹۰، ح ۲۴۷: احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۳؛  
 إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۷۱: كشف الغمة، ج ۳، ص ۳۳۹: الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۴؛  
 بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۱۰.  
 ۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۴: الغيبة، طوسی، ص ۲۹۳، ح ۲۴۷: احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴؛  
 إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۷۲: كشف الغمة، ج ۳، ص ۳۴۰: الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۵؛  
 بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱، ح ۱۰.

این کلام، از جمله مطالبی است که حضرت علیه السلام، در جواب مسائلی بیان کرده‌اند که اسحاق بن یعقوب از آن حضرت سؤال نموده‌اند.

۵ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا، فإنهم حجتي عليكم وأنا حجة الله عليهم»؛<sup>۱</sup> «اما در رویدادهای زمانه، به راویان حدیث ما رجوع کنید. آنان، حجت من بر شمایند و من، حجت خدا بر آنان‌ام.»

این حدیث، از جمله مطالبی است که امام زمان علیه السلام، در جواب مسائل اسحاق بن یعقوب فرموده‌اند.

۶ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «إني لأمان لأهل الأرض كما أن النجوم أمان لأهل السماء»؛<sup>۲</sup> «همانا، من، امان و مایه ایمنی برای اهل زمین‌ام، همان‌گونه که ستاره‌ها، سبب ایمنی اهل آسمان‌اند.»

این کلام، قسمتی از جواب‌هایی است که امام زمان علیه السلام، در پاسخ به نامه اسحاق بن یعقوب فرموده است.

۷ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «إنا غير مهملين لمراعاتكم، ولا ناسين

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۸۴، ح ۱۰؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۹۱، ح ۲۴۷؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴؛ إعلام‌الوری، ج ۲، ص ۲۷۱؛ کشف‌الغمة، ج ۳، ص ۳۳۸؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۴؛ بحار‌الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱، ح ۱۰؛ وسائل‌الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۴۰، ح ۳۳۴۲۴.  
 ۲. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۱۰؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۹۲، ح ۲۴۷؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴؛ إعلام‌الوری، ج ۲، ص ۲۷۲؛ کشف‌الغمة، ج ۳، ص ۳۴۰؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۵؛ بحار‌الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱، ح ۱۰.

لذکرکم، ولولا ذلك لنزل بكم اللاواء واصطلمكم الأعداء»؛<sup>۱</sup> «ما از رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم که اگر جز این بود دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان شما را ریشه کن می‌نمودند».

برای شیخ مفید<sup>۲</sup> دو توقیع از سوی حضرت<sup>۳</sup> صادر شده است. در توقیع اول، حضرت، به شیعیان خود این بشارت را می‌دهد که شما، دائماً، تحت نظر و مراعات ما هستید و هرگز فراموش نمی‌شوید. از این رو از خطر دشمنان در امانید. شیعه به جهت ظلم ستیزی و پیرو حق و حقیقت بودن، دائماً، مورد تعرض حکام جور و معاندان و مخالفان خود بوده است. لذا، به کسی نیاز دارد که در سختی‌ها و گرفتاری‌ها، او را یاری کند و از نابودی نجات‌اش دهد. در این توقیع، حضرت<sup>۳</sup> به شیعه، این بشارت را می‌دهد که با وجود غایب بودنم شما را حمایت خواهم کرد و هرگز نخواهم گذاشت، نقشه دشمنان حق و حقیقت، به ثمر نشیند و مذهب شیعه و شیعیان نابود شوند. گره‌گشایی‌هایی که حضرت در طول دوران امامت خویش انجام داده است، نمونه‌هایی رسا برای صحت وعده حضرت است.

۸ - امام مهدی<sup>۴</sup> می‌فرماید: «أنه من اتقى ربه من إخوانك في الدين وأخرج مما عليه إلى مستحقه، كان آمناً من الفتنة المبطله، ومحناً المظلمة المظلة ومن بخل منهم بما أعاره الله من نعمته على من أمره بصلته،

۱. احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳؛ الخرائج و الحرائج، ج ۲، ص ۹۰۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵، ح ۷.

فإنه يكون خاسراً بذلك لأولاه و آخرته»؛<sup>۱</sup> «همانا، کسی که در رابطه با حقوق برادران دینی تو، حریم الهی را نگه دارد و حقوق مالی که برگردن دارد، به مستحق‌اش برساند، از فتنه‌ای که انسان را به راه باطل می‌کشاند، و از محنت‌های تاریکی که سایه بر آن افکنده، ایمن خواهد بود، و کسی که بخل ورزد و از نعمت‌هایی که ایزد به عاریت، در اختیار او گذاشته، به مستحق‌اش ندهد، در دنیا و آخرت، زیان‌کار خواهد بود.»

این کلام، قسمتی از نامه دوم امام زمان علیه السلام، به شیخ مفید رحمته الله است.

۹ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «سجدة الشکر من أَلزم السنن وأوجبها... فإن فضل الدعاء والتسبیح بعد الفرائض علی الدعاء بعقیب النوافل، كفضل الفرائض علی النوافل، والسجدة دعاء وتسبیح»؛<sup>۲</sup> «سجده شکر، از لازم‌ترین و واجب‌ترین مستحبات الهی است... همانا، فضیلت دعا و تسبیح پس از واجبات، بر دعا بعد از نوافل، همانند فضیلت واجبات بر نوافل است. سجده، دعا و تسبیح است.»

حدیث شریف، قسمتی از پاسخ امام مهدی علیه السلام، به سؤال‌های محمد بن عبدالله حمیری است.

۱۰ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «من فضله، أن الرجل ینسی التسبیح ویدیر السبحة فیکتب له التسبیح»؛<sup>۳</sup> «از فضایل تربیت حضرت

۱. احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، ح ۸

۲. احتجاج، ج ۲، ص ۳۰۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۶۱، ح ۳؛ وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۸۵۱۴

۳. احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۶۵، ح ۴

سیدالشهداء علیه السلام آن است که چنانچه تسبیح تربت حضرت در دست گرفته شود ثواب تسبیح و ذکر را دارد، گرچه دعایی هم خوانده نشود.»

این حدیث از جمله پاسخ‌هایی است که امام زمان علیه السلام در جواب سؤال‌های محمّد بن عبدالله حمیری بیان فرموده‌اند.

۱۱ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «فلا يحل لأحد أن يتصرف من مال غيره بغير إذنه»؛<sup>۱</sup> «برای هیچ کس جایز نیست که بدون اذن صاحب مال، در مال‌اش تصرف کند.»

این کلام، بخشی از جوابی است که حضرت علیه السلام، در پاسخ مسائل اسدی، مرقوم داشته‌اند.

۱۲ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «وفي ابنة رسول الله صلی الله علیه و آله لي أسوة حسنة»؛<sup>۲</sup> «دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله (فاطمه زهرا علیها السلام) برای من، اسوه و الگویی نیکو است.»

شیخ طوسی رحمته الله، در کتاب «الغیبة»، قصه مشاجره ابن ابی غانم قزوینی با جماعتی از شیعه، درباره امر جانشینی امام عسکری علیه السلام را نقل کرده است. ابن ابی غانم، به جانشینی برای حضرت امام عسکری، اعتقادی نداشت. عده‌ای از شیعیان، به حضرت نامه‌ای می‌نویسند و در آن، مشاجره‌ای را که میان ابن ابی غانم و جماعت شیعه ایجاد شده، یادآور می‌شوند.

۱. کمال الدین، ص ۵۲۱، ح ۴۹؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۹۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۳، ح ۱۱؛ وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۴۰ و ۵۴۱، ح ۱۲۶۷۰.  
 ۲. الغیبة طوسی، ص ۲۸۶، ح ۲۴۵؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۹.

حضرت، در جواب نامه، به خط مبارک خود، بعد از دعا برای عافیت شیعیان از ضلالت و فتنه‌ها، و درخواست روح یقین و عاقبت به خیری آنان، و تذکر به اموری چند، می‌فرماید: «فاطمة زهرا، دختر رسول خدا، برای من، در این مسئله، الگوی خوبی است.

۱۳ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «لا عذر لأحد من موالینا في التشکیک فیما یؤدیة عنا ثقاتنا»<sup>۱</sup>؛ «در تشکیک نسبت به روایاتی که موثقان از ما برای شما نقل می‌کنند، احدی از شیعیان ما عذری ندارند.»

این عبارت، قسمتی از توقیعی است که از سوی حضرت به «قاسم بن علا» درباره «احمد بن هلال عبرتایی» و دوری از او صادر شده است.

۱۴ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «لیس بین الله عزوجل و بین أحد قرابة، و من أنکرني فلیس مني، و سبیله سبیل ابن نوح»<sup>۲</sup>؛ «بین خداوند عزوجل و هیچ کس قرابت و خویشاوندی نیست، هر که مرا انکار کند از من نیست، و راه او، راه فرزند نوح است.»

این عبارت، بخشی از جواب‌های امام زمان علیه السلام، به پرسش‌های اسحاق بن یعقوب است.

۱. رجال کشی، ج ۲، ص ۸۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۳۱۸ و ۳۱۹، ح ۱۵؛ وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۸، ح ۶۱.

۲. کمال الدین، ص ۴۸۴، ح ۳؛ الغیبة، طوسی، ص ۲۹۰، ح ۲۴۷؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۳؛ کشف الغمة، ج ۳، ص ۳۳۹؛ إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۷۰؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۱۰.

۱۵ - مهدی علیه السلام می فرماید: «لا تتكلفوا علم ما قد كفيتم»؛<sup>۱</sup> «خود را برای

دانستن آنچه که از شما نخواستند به مشقت نیندازید.»

این عبارت، از جمله مطالبی است که امام زمان علیه السلام، در جواب سؤال‌های اسحاق بن یعقوب تذکر داده‌اند.

۱۶ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «إن الله تعالى هو الذي خلق الأجسام

وقسم الأرزاق، لأنه ليس بجسم ولا حال في جسم، ليس كمثل شيء وهو السميع العليم، وأما الأئمة عليهم السلام فإنهم يسألون الله تعالى فيخلق، ويسألونه فيرزق، إيجاباً لمسألتهم وإعظماً لحقهم»؛<sup>۲</sup> «تنها خداوند متعال است که اجسام را خلق کرده و روزی‌ها را تقسیم کرده است؛ زیرا، او، جسم یا حلول کننده در جسم نیست. چیزی، همانند او نیست. او، شنوا و دانا است. اما ائمه عليهم السلام، چیزی را از خدا می خواهند و خدا نیز برای آنان خلق می کند. از خدا می خواهند، خدا هم روزی می دهد. خدا چنین می کند، چون بر خود حتم کرده که خواسته آنان را اجابت و منزلت و شأن آن‌ها را عظیم گرداند.»

شیخ طوسی رحمته الله در کتاب «الغیبة» نقل می کند: جماعتی از شیعیان، در مقام اهل بیت علیهم السلام، اختلاف کردند. عده‌ای، قائل بودند که خداوند عزوجل، قدرت خلق و رزق را به امامان معصوم، واگذار کرده است. در مقابل، عده‌ای بر این عقیده معتقد بودند که این امر، محال است و بر خداوند متعال، جائز نیست که امر خلق و رزق را به ائمه واگذار کند؛ زیرا، تنها، خداوند متعال، قادر بر خلق اجسام است.

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۱۰؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱، ح ۱۰.

۲. الغیبة، طوسی، ص ۲۹۴، ح ۲۴۸؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۵؛ بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۳۲۹، ح ۴.

شیعیان، در این امر، به نزاع شدید برخاستند. شخصی که در آن مجلس حاضر بود، گفت: «چرا نزد ابی جعفر محمد بن عثمان عمری (سفیر دوم حضرت) نمی‌روید و در این باره از او سؤال کنید تا حق بر شما روشن گردد؟ او تنها راه و واسطه به سوی حضرت صاحب الأمر علیه السلام است.» شیعیان، بر این امر راضی شدند و نامه نوشتند و در آن از مسئله مورد نزاع سؤال نمودند. حضرت در جواب نامه مرقوم فرمودند: «خالق، نباید جسم و رازق نباید روزی خورنده باشد. در نتیجه، ما، چون جسم داریم و روزی می‌خوریم، پس نه خالق هستیم و نه رازق، ولی خداوند، حق ما را بزرگ قرار داده و درخواست ما را اجابت می‌کند. لذا دعایی که می‌کنیم، برآورده می‌شود، نه این‌که ما، خود، جدای از خواست الهی، توان این را داشته باشیم.»

۱۷ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «فلیعمل کل امرء منکم بما یقرب به من محبتنا، ویتجنب ما یدنیه من کراهتنا وسخطنا»؛<sup>۱</sup> «پس هر یک از شما باید کاری کند که وی را به محبت و دوستی ما نزدیک سازد، و از آنچه که خوشایند ما نبوده و باعث کراهت و خشم ما است دوری گزیند.»

این عبارت بخشی از نامه‌ای است که از سوی امام زمان علیه السلام، به شیخ مفید رحمته الله، رسیده است.

۱۸ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «إن الله تعالی لم یخلق الخلق عبثاً، ولا أهملهم سدی، بل خلقهم بقدرته، وجعل لهم أسماعاً وأبصاراً وقلوباً وألباباً، ثم بعث إليهم النبیین علیهم السلام مبشرین ومنذرین، یأمرونهم بطاعته

۱. احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳ و ۳۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶، ح ۷.



وینھونھم عن معصیتھ، و یعرفونھم ما جھلوه من أمر خالقھم و دینھم، و أنزل علیھم کتاباً...»<sup>۱</sup> «به راستی، خدای متعال، مردم را بیهوده نیافرید، و بیکاره رها نساخت، بلکه آنان را به قدرت خود آفرید، و به آنان گوش و دیده و دل و عقل داد. سپس پیامبران علیہم السلام را به سوی آنان، بشارت دهنده و بیم دهنده فرستاد تا مردم را به اطاعت خدا امر کنند و از معصیت او باز دارند، و آنچه را که نسبت به او، از امر خالق و دین خود جاهل اند، بیاموزند، برای آنان کتابی نازل کرد...».

این مطالب بخشی از جوابی است که امام زمان علیہ السلام در جواب نامه احمد بن اسحاق مرقوم داشتند.

۱۹ - امام مهدی علیہ السلام می فرماید: «أحیی بهم دینہ، و أتم بهم نورہ، و جعل بینھم و بین إخوانھم و بنی عمھم و الأدنین فالأدنین من ذوی أرحامھم فرقاناً بیناً یعرف به الحجۃ من المحجوج، و الإمام من المأموم، بأن عصمھم من الذنوب، و برأھم من العیوب، و طھرھم من الدنس، و نزهھم من اللبس، و جعلھم خزّان علمه، و مستودع حکمتھ، و موضع سره، و أیدھم بالدلائل، و لولا ذلك لكان الناس علی سواء، و لإدعی أمر الله عزّوجلّ کل أحد، و لما عرف الحق من الباطل، و لا العالم من الجاهل»<sup>۲</sup> «اوصیا، کسانی هستند که خداوند متعال، دینش را با آنان زنده می کند، و نورش را با آنان، کاملاً می گسترد و سیطره می دهد. خداوند میان آنان و برادران و عموزادگان و دیگر خویشاوندان شان، تفاوت آشکاری گذاشته است که به سبب آن حجّت از غیر

۱. الغیبة، طوسی، ص ۲۸۸، ح ۲۴۶؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۴، ح ۲۱.

۲. الغیبة طوسی، ص ۲۸۸، ح ۲۴۶؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۴ و ۱۹۵، ح ۲۱.

حجت، و امام از مأموم، شناخته می‌شود. آن تفاوت آشکار، این است که آنان را از گناهان محفوظ و مصون داشته، و از عیوب مبرا کرده، و از پلیدی پاک گردانیده، و از اشتباه منزّه‌شان داشته است. آنان را خزانه‌داران علم و حکمت و پرده‌داران سرّ خود قرار داده است. خداوند، آنان را با دلیل‌ها، تأیید کرده است. اگر این‌گونه نبود، همه مردم با هم یکسان بودند و هر کس می‌توانست ادّعی امامت کند که در این حال، حقّ از باطل و عالم از جاهل، تشخیص داده نمی‌شد.»

این کلمات، از جمله مطالبی است که امام زمان علیه السلام، در جواب نامه احمد بن اسحاق مرقوم داشته‌اند.

۲۰ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «من کانت له إلى الله حاجة فليغتسل ليلة الجمعة بعد نصف الليل ویأتي مصلاه»؛<sup>۱</sup> «هر کس که خواسته و حاجتی از پیشگاه خداوند متعال دارد، بعد از نیمه شب جمعه غسل کند و جهت مناجات با خداوند در جایگاه نمازش قرار گیرد.»

ابو عبدالله حسین بن محمد می‌گوید: از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام توقیعی صادر شد، در آن نوشته بود: هر کس خواسته‌ای از خداوند دارد باید شب جمعه بعد از نیمه شب غسل کند آن‌گاه به جایگاه نمازش آید و دو رکعت نماز بخواند، به «ایاک نعبد و ایاک نستعین» که رسید، صد بار آن را تکرار کند، سپس حمد را تمام کرده بعد از آن یک مرتبه سوره توحید بخواند. آن‌گاه رکوع و سجده بجای آورده و در هر کدام هفت بار تسبیح بگوید. رکعت دوم را نیز همانند رکعت اول بجای آورد. در پایان نماز دعایی را بخواند که کفعمی در ابتدای باب

۳۶ از المصباح آورده است. بعد از دعا به سجده رفته و تضرع نزد خداوند کند، آن گاه حاجت خود را از خداوند بخواهد. هر کس از مرد و زن چنین کند، و دعا را از روی اخلاص بخواند درهای اجابت به روی او باز گشته و حاجت او هر چه باشد برآورده می گردد، مگر آن که آن حاجت قطع رحمی باشد.

۲۱ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «أقذار الله عزوجل لا تغالب وإرادته لا ترد وتوفيقه لا يسبق»؛<sup>۱</sup> «تقدیرهای خداوند عزوجل مغلوب نمی شود، و اراده اش برگشت ندارد، و بر توفیق او هیچ چیز پیشی نمی گیرد.»

این عبارت، بخشی از کلمات امام زمان علیه السلام است که در توقیعی به دو سفیر خود، عثمان بن سعید و فرزندش محمد بن عثمان فرستاده است.

۲۲ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «أعوذ بالله من العمى بعد الجلاء، ومن الضلالة بعد الهدى، ومن موبقات الأعمال ومردیات الفتن»؛<sup>۲</sup> «از نابینایی پس از بینایی، و از گمراهی پس از هدایت، و از رفتار هلاکت بار، و فتنه های نابودکننده، به خدا پناه می برم.»

این عبارت، بخشی از توقیعی است که امام زمان علیه السلام به نائب نخست و دوم خود، عثمان بن سعید عمری و فرزندش محمد فرستاده است.

۲۳ - امام مهدی علیه السلام می فرماید: «أبى الله عزوجل للحق إلا إتماماً،

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۱، ح ۴۲؛ الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۱، ح ۱۹.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۱، ح ۴۲؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۰ و ۱۹۱، ح ۱۹.

وللباطل إلا زهوقاً»؛<sup>۱</sup> «ارادة حتمی خداوند بر این قرار گرفته که - دیر یا زود - پایان حق پیروزی و پایان باطل نابودی باشد.»

این عبارت، قسمتی از جوابی است که حضرت علیه السلام به نامه احمد بن اسحاق اشعری قمی داده‌اند.

۲۴ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «قد آذانا جهلاء الشيعة وحمقاؤهم، ومن دینه جناح البعوضة أرجح منه»؛<sup>۲</sup> «نادانان و کم‌خردان شیعه و کسانی که پرو بال پشه از دینداری آنان برتر و محکم‌تر است، ما را آزار می‌دهند.»

این عبارت، بخشی از توقیعی است که حضرت علیه السلام در جواب نامه محمد بن علی بن هلال کرخی فرستاده است. این توقیع، در رد طائفه‌ای از غالیان است که به شرکت ائمه علیهم السلام با خداوند در علم و قدرت او، معتقدند.

۲۵ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «اجعلوا قصدكم إلینا بالمودة علی السنة الواضحة، فقد نصحت لكم، والله شاهد علی وعلیکم»؛<sup>۳</sup> «هدف و قصد خویش را نسبت به محبت و دوستی ما - اهل بیت عصمت و طهارت - بر مبنای عمل به سنت و اجرای احکام الهی قرار دهید، پس همانا که موعظه‌ها و سفارشات لازم را نمودم، و خداوند متعال نسبت به همه ما و شما گواه است.»

بین ابن ابی‌غانم قزوینی با جماعتی از شیعیان در مورد جانشینی امام حسن عسکری علیه السلام اختلاف شد، ابن ابی‌غانم معتقد بود که ایشان رحلت نمود

۱. الغیبة، طوسی، ص ۲۸۷، ح ۲۴۶؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۳، ح ۲۱.

۲. احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۹؛ بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۶۷، ح ۹.

۳. الغیبة، طوسی، ص ۲۸۶، ح ۲۴۵؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹، ح ۹.

در حالی که کسی را به عنوان جانشین خود معرفی نکرد، ولی جماعت شیعیان با او به مخالفت پرداخته و معتقد به تعیین جانشین برای امام حسن عسکری علیه السلام بودند، لذا نامه‌ای به امام زمان علیه السلام نوشته و این موضوع را برای حضرت بازگو می‌کنند. حضرت علیه السلام در جواب نامه به خط خود مطالبی مرقوم داشتند که از آن جمله حدیث فوق است.

حضرت در آن نامه ابتدا امر به تقوا و پرهیزکاری می‌کند و سپس می‌فرماید: تسلیم ما باشید و هر چه را نمی‌دانید به ما باز گردانید، بر ما است که حقیقت را بیان کنیم... به راست و چپ منحرف نشوید، و محبت و دوستی خود را نسبت به ما با اطاعت از دستورات ما که همان شریعت محمدی است ثابت کرده و عملی سازید...

۲۵ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «علمنا علی ثلاثة أوجه: ماض و غابر و حادث، أما الماضي فتفسیر، وأما الغابر فموقوف، وأما الحادث فقذف في القلوب، ونقر في الأسماع، وهو أفضل علمنا، ولا نبی بعد نبینا»؛<sup>۱</sup> «علم ما اهل بیت علیهم السلام بر سه نوع است: علم به گذشته و آینده و حادث. علم گذشته تفسیر است. علم آینده، موقوف است. علم حادث، انداختن در قلوب، و زمزمه در گوش‌ها است. این بخش، بهترین علم ما است. بعد از پیامبر ما، رسول دیگری نخواهد بود.»

این عبارت، بخشی از جواب امام زمان علیه السلام به سؤال علی بن محمد سمري درباره علم امام است.

۱. دلائل الإمامة، ص ۵۲۴، ح ۴۹۵؛ مدينة المعاجز، ج ۸، ص ۱۰۵، ح ۲۷۲۰.

۲۶ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «وَأَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ أَمْرِ الْوَقْفِ عَلَى نَاحِيَتِنَا وَمَا يَجْعَلُ لَنَا ثُمَّ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ صَاحِبُهُ، فَكُلُّ مَا لَمْ يَسْلَمْ فَصَاحِبُهُ فِيهِ بِالْخِيَارِ، وَكُلُّ مَا سَلَّمَ فَلَا خِيَارَ فِيهِ لِصَاحِبِهِ، إِحْتِاجُ إِلَيْهِ صَاحِبُهُ أَوْ لَمْ يَحْتِجْ»؛<sup>۱</sup> «از ما درباره این که فردی چیزی را برای ما وقف کرده؛ ولی خودش به آن محتاج شده، پرسیده‌ای. حکم این چنین فردی، این است که در آن چه برای ما وقف کرده، ولی تسلیم ما نکرده، مختار است و می‌تواند وقف را به هم بزند، ولی آن چه را به جهت تسلیم وقف‌اش مسلم شده، دیگر نمی‌تواند آن را برگرداند، خواه به آن احتیاج داشته باشد یا نداشته باشد.»

این عبارت، قسمتی از توقیعی است که امام زمان علیه السلام در جواب سؤال‌های ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی مرقوم داشته‌اند.

۲۷ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَفَقَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتَهُ - عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمَنُ بِلِقَائِنَا، وَلَتَعْجَلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمَشَاهِدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصَدَقَ مِنْهُمْ بِنَا، فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُوَثِّرُهُ مِنْهُمْ»؛<sup>۲</sup> «اگر چنانچه شیعیان ما - که خداوند توفیق طاعتشان دهد - در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند همدل می‌شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد، و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می‌گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین، و صداقتی از آنان نسبت به ما، علّت مخفی شدن ما از آنان چیزی نیست جز آنچه از کردار آنان که به ما می‌رسد و ما توقع انجام این کارها را از آنان نداریم.»

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۰، ح ۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۲، ح ۱۱.

۲. احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، ح ۸.

این جملات، قسمتی از نامه‌ای است که از ناحیه مقدّس امام زمان علیه السلام برای شیخ مفید رحمته الله فرستاده شده است.

۲۸ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «أَنْ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حِجَّةِ إِمَامٍ ظَاهِرًا وَإِمَامًا مَغْمُورًا»؛<sup>۱</sup> «زمین، هیچ‌گاه، از حجّت خالی نخواهد بود، حال، آن حجّت، یا ظاهر است و یا پنهان.»

این کلام، قسمتی از توقیعی است که امام زمان علیه السلام به عثمان بن سعید عمری و فرزندش محمد مرقوم داشته‌اند.

۲۹ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «وَالْعَاقِبَةُ بِجَمِيلِ صَنَعِ اللَّهِ سَبْحَانَهُ تَكُونُ حَمِيدَةً لَهُمْ مَا اجْتَنَبُوا الْمُنْهَى عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ»؛<sup>۲</sup> «با دخالت و ساخت نیکوی خداوند، فرجام کار، مادامی که شیعیان از گناهان دوری گزینند، پسندیده و نیکو خواهد بود.»

این حدیث، بخشی از نامه‌ای است که امام زمان علیه السلام برای شیخ مفید رحمته الله مرقوم داشته‌اند.

۳۰ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «أَوْ مَا رَأَيْتُمْ كَيْفَ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ مَعَاقِلَ تَأْوُونَ إِلَيْهَا، وَأَعْلَامًا تَهْتَدُونَ بِهَا مِنْ لَدُنْ آدَمَ عليه السلام»؛<sup>۳</sup> «آیا ندیدید که چه گونه خداوند برای شما، ملجأهایی قرار داد که به آنان پناه برید، و عَلم‌هایی قرار داد تا با آنان هدایت شوید. (و این لطف حضرت حق) از زمان حضرت آدم علیه السلام تاکنون بوده است.»

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۱، ح ۴۲: الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۰، ح ۲۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۱، ح ۱۹.

۲. احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، ح ۸.

۳. الغيبة شیخ طوسی، ص ۲۸۶، ح ۲۴۵؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹، ح ۹.

این عبارت، قستی از توقیعی است که از ناحیه حضرت، به جهت اختلاف میان ابن ابی غانم قزوینی و جماعتی از شیعیان صادر شده است. ابن ابی غانم معتقد بود که برای امام حسن عسکری علیه السلام جانشینی نیست و امامت به ایشان ختم شده است. گروهی از شیعیان، به حضرت مهدی علیه السلام نامه می‌نویسند و داستان را بازگو می‌کنند. از ناحیه حضرت نامه‌ای صادر می‌شود که حدیث فوق بخشی از آن است.

۳۱ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «ملعون ملعون من أخر الغداة إلى أن تنقضي النجوم»؛<sup>۱</sup> «ملعون و نفرین شده است آن کسی که نماز صبح را عمداً تأخیر بیندازد تا موقعی که ستارگان ناپدید شوند»

این حدیث قسمتی از توقیعی است که در جواب سؤال محمد بن یعقوب از ناحیه مقدسه رسیده است.

۱. الغيبة، طوسی، ص ۲۷۱، ح ۲۳۶؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۹۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۶، ح ۱۲؛ وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۲۰۱، ح ۴۹۱۹.



## سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت

- ۱ - تولد حضرت مهدی علیه السلام
- ۲ - امامت در سنین کودکی
- ۳ - امامت و غیبت
- ۴ - غیبت صغری و سفیران ناحیه مقدسه
- ۵ - غیبت کبری
- ۶ - وظایف ما در عصر غیبت
- ۷ - اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام
- ۸ - بررسی دعای ندبه
- ۹ - دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر
- ۱۰ - دفاع از مهدویت
- ۱۱ - فلسفه حکومت عدل جهانی
- ۱۲ - نظریه پردازی درباره آینده جهان
- ۱۳ - منجی از دیدگاه ادیان
- ۱۴ - وجود امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن و حدیث
- ۱۵ - وجود امام مهدی علیه السلام در پرتو عقل
- ۱۶ - مهدویت و جهانی سازی
- ۱۷ - قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۸ - علایم ظهور
- ۱۹ - هنگامه ظهور
- ۲۰ - حکومت حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور